



## توسعه تشبثات کوچک و متوسط و تجارت منطقی در افغانستان

مقاله کاری

دلو ۱۳۹۲

مجیب مشعل



UNIVERSITY  
OF CENTRAL ASIA

GRADUATE SCHOOL OF DEVELOPMENT

Institute of Public Policy and Administration



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

## توسعه تشبثات کوچک و متوسط و تجارت منطقی در افغانستان

مقاله کاری

دلو ۱۳۹۲

مجیب مشعل

مترجم: فریدون شارق

طرح و دیزاین: احمد سیر علمیار

کود نشریه: ۱۴۰۱D

© ۱۳۹۲، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه می‌تواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه‌های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله‌ی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجاری و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته می‌شود، باید خط ارتباطی به سایت اینترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ([www.areu.org.af](http://www.areu.org.af)) در آن چاپ و یا روی صفحه اینترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت اینترنتی [areu@areu.org.af](mailto:areu@areu.org.af) و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۰۰۹۳ بدست آید.

## در مورد نویسنده:

مجیب مشعل، فارغ تحصیل دانشگاه کلمبیا در رشته تاریخ آسیای جنوبی است. گزارشهای تحقیقی او در مجله های بین المللی، از جمله هارپر، تایمز، نیویورک تایمز، وال ستریت ژورنال، سایت انگلیسی الجزیره و چندین رسانه دیگر چاپ شده است.

## درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مؤسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرز العمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش آموزان زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده های آن متشکل از هیأت مدیره، تمویل کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می باشد. این واحد بیشتر از سوی دولت های فنلند، سوئد و سوئیس پشتیبانی مالی می شود.

در سال ۲۰۱۴ میلادی پروژه های مشخصی از سوی کمیسیون اروپا (EC)، اداره توسعه و همکاری سوئیس (SDC)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، پوهنتون آسیای مرکزی (UCA)، بانک جهانی، انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، همکاری های تکنیکی آلمان (GIZ) و سفارت فنلند تمویل میگردد.

**خلاصه:**

در این تحقیق تلاش می شود تا جوانب اساسی روابط اقتصادی و تجارتي میان کشورهای جمهوری تاجیکستان و جمهوری اسلامی افغانستان مورد ارزیابی قرار گیرد. این تحلیل شامل بررسی روابط اقتصادی میان این دو کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، زیرساخت های حمل و نقل و تاثیرات آن بر روابط تجارتي، اقتصادی و اجتماعی و همچنین مسایل مربوط به ترانزیت و بازصدور کالاهای میان این کشور می باشد. در پایان، سفارش ها و پیشنهادهای مشخص به منظور توسعه روابط اقتصادی و تجارتي میان این کشورها، ارایه شده است.

واژه های کلیدی: تاجیکستان، افغانستان، روابط اقتصادی و تجارتي، زیرساخت های حمل و نقل، ترانزیت و بازصدور کالا

انستیتوت اداره و پالیسی عامه در سال ۲۰۱۱ میلادی، به منظور اجرای تحقیقات فراگیر و منسجم در حوزه های توسعه اقتصادی - اجتماعی و جستجوی پالیسی های بدیل در آسیای مرکزی تاسیس شد.

این پژوهش در چوکات پروژه «همکاری های منطوقی و اعتمادسازی در آسیای میانه و افغانستان یا (RCCB)» به حمایت مالی دپارتمنت امور خارجی و تجارت بین المللی دولت کانادا انجام شده است.

نشریات تحت کار این انستیتوت توسط متخصصین تهیه شده و پس از نقد کارشناسی نشر میگردد. این نشریات شامل معلومات و مطالب دسته اول در خصوص مسایل اجتماعی و اقتصادی، مدیریت و اداره عامه که مرتبط به حوزه کشورهای آسیای مرکزی است، می باشد.

## فهرست مطالب

۱	خلاصه موضوع
۱	مقدمه
۲	روش تحقیق
۳	اقتصاد افغانستان
۴	تشبثات کوچک و متوسط
۵	۴,۱ استراتژی تشبثات کوچک و متوسط
۵	۴,۲ تشبثات کوچک و متوسط و چالش ها:
۶	۴,۳ تشبثات کوچک و متوسط و زنان:
۷	تجارت در افغانستان
۹	۵,۱ تجارت با کشورهای آسیای مرکزی
۱۰	۵,۲ تسهیلات در تجارت و ترانزیت: توسعه زیرساختها
۱۱	۵,۳ تسهیلات برای تجارت و ترانزیت: پروژه های نرم
۱۲	۵,۴ پالیسی و ظرفیت برای رشد:
۱۲	۵,۵ چالش های تجارت و تشبثات کوچک و متوسط:
۱۳	۵,۶ تشبثات کوچک و متوسط: مطالعات موضوعی
۱۳	۵,۶,۱ شرکت پروسس کشمش (تبسم) در کابل:
۱۴	۵,۶,۲ شرکت تجارتي آریانا - بلخ:
۱۴	نتیجه گیری و سفارشها برای پالیسی:
۱۵	سفارش ها:
۱۶	ماخذ:
۱۷	

## اشکال

۹	شکل ۱: احصایه صادرات افغانستان
۱۰	شکل ۲: شرکای تجارتي افغانستان

## جدول ها

۱۱	جدول ۱: شاخص عملکرد لوژستیک
----	-----------------------------

## تصاویر

۷	کارگر یک کارخانه در حال ساخت توپ فوتبال در کابل
---	---

## مخففات

بنادر مرزی	BCP
پروژه انتقال برق آسیای مرکزی به آسیای جنوبی یا کاسا یک هزار	۱۰۰۰-CASA
منطقه خودمختار گارنو - بدخشان	GBAO
بند برق آبی	HPP
کیلووات در هر یک ساعت	kW/h
میگاوات (یا یک میلیون وات)	MW
پیمان اتلانتیک شمالی یا ناتو	NATO
جمهوری خلق چین	PRC
جمهوری تاجیکستان	RT
اداره احصایه تحت اداره ریاست جمهوری تاجیکستان	SA
پروژه انتقال گاز طبیعی ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، و هند (تاپی)	TAPI
کیبل یا خط انتقال (برق یا گاز)	TL
سازمان ملل متحد	UN
ایالات متحده امریکا	US
دالر امریکایی	USD
اتحاد جماهیر شوروی	USSR
منطقه خودمختار اویغور سینکیانگ (در چین)	XUAR

## خلاصه موضوع

اقتصاد افغانستان در یک دهه گذشته بطور ثابت رشد کرده که مصارف نیروهای بین المللی مُحرک اساسی این رشد بوده است. با نزدیک شدن زمان خروج این نیروها از افغانستان، توجه روی پایداری رشد و توسعه بخش خصوصی بیشتر می شود. بخش خصوصی به عنوان گرداننده اصلی اقتصاد افغانستان تعریف شده است. سهم بخشهای چون خدمات و ساختمان سازی که مستقیماً با مصارف و کمک های نیروی های نظامی پیوند داشته، کم رنگ می شود. بنابر این از رشد اقتصادی افغانستان کاسته خواهد شد. این تغییر در حالی صورت میگیرد که بُنیه و اساس اقتصاد بازار در این کشور همچنان ضعیف و شکننده است. افغانستان به نظام اقتصادی بازار پس از سال ۲۰۰۱ میلادی روی آورد. نظام های اقتصادی در رژیم های قبلی این کشور براساس نظام اقتصادی سوسیالیستی طرح ریزی شده بودند که در آن نوع رژیم ها مردم از حکومت های شان توقع کمک های اقتصادی (به شکل سبسایدی) میکردند. اما در دهه گذشته این نوع توقعات مردم افغانستان با سرازیر شدن مقدار اعظیم پول از طریق کمک های خارجی فروکش کرد. تا زمانیکه در قسمت نقش حکومت در چوکات نظام اقتصادی جدید، بطور واضح برای مردم آگاهی داده نشود، مردم کماکان حکومت را بخاطر افزایش بیکاری و عقب مانی کاروبارشان (از اثر کاهش حضور نیروی های خارجی و کاهش فعالیت های اقتصادی) زیر سوال قرار خواهند داد.

از طرف دیگر میزان سرمایه گذاری هنگفت در افغانستان بخاطر غیرقابل پیش بینی بودن آینده اقتصادی این کشور نیز محدود باقی مانده است. بانک جهانی از نظر مساعد بودن محیط فعالیت های کاروبار، این کشور را در ردیف ۱۶۴ (از جمله ۱۸۹ کشور) قرار داده است. در چنین شرایطی، تشبثات کوچک و متوسط بیشتر از همه وفق پذیر می باشند. این تشبثات ۸۵ درصد کاروبار، و نیمی از تولیدات ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل داده و تقریباً یک سوم نیروی کار این کشور در این تشبث ها مشغول کار هستند. اکثر حوزه کاری این تشبثات مناطق شهری بوده و بین ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها بطور غیررسمی فعالیت دارند و در چوکات ادارات حکومتی ثبت و راجستر نیستند. بخاطر موجودیت فساد در دستگاه دولت، تشبثات علاقه ندارند تا بطور رسمی در دستگاه حکومت راجستر شوند. اینکار بعضی از این تشبثات را مخصوصاً آن تعداد از آنها را که در قسمت صادرات فعالیت دارند در معرض سواستفاده «کمیشن کاران»<sup>۱</sup> قرار میدهد. در این اواخر بعضی از این کمیشن کاران در تجارت دخیل شده که اینکار سبب فاصله گرفتن تاجران از بازار می شود.

۱ در این مقاله Business به معنی کاروبار ترجمه شده است، م.

۲ در مصاحبه که به تاریخ ۳ دسمبر ۲۰۱۳ با یکی از مسئولین در وزارت تجارت و صنایع افغانستان انجام شد، نامبرده اظهار داشت که کمیشن کار کسی است که در قسمت تکمیل مراحل گمرکی اموال بازرگانی در گمرکات کار می نماید. نوع دیگر از این کمیشن کاران کسانی اند که برای کاروبار های کوچک که غیرقانونی کار می نمایند، جواز تجارت اخذ می نمایند و در ختم سال این جواز را از بین برده تا تشبث ها از دادن مالیات به دولت مصئون باشد.



## ۱. مقدمه

پس از اینکه افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی به اقتصاد بازار روی آورد، بخش خصوصی که ۸۵ درصد آنرا تشبثات کوچک و متوسط تشکیل میدهد به عنوان ماشین رشد اقتصادی این کشور شناخته شد. اما سرازیر شدن اعظیم کمکهای خارجی و پول هنگفت که توسط نیروهای خارجی به مصرف میرسید، دولت این کشور را اجازه نداد تا روی بسط و توسعه تشبثات کوچک و متوسط در چوکات اقتصاد بازار توجه لازم کند. توجه به تشبثات میثوناست زمینه تداوم و ثبات اقتصادی این کشور را در درازمدت فراهم کند. استراتیژی کنونی این کشور در خصوص تشبثات کوچک و متوسط که در سال ۲۰۰۹ میلادی نهایی شد بیشتر روی بخشهای تولیدی که در تولید کالای های بدیل برای واردات فعال اند، متمرکز است. در عین حال این تشبثات با چالش های بزرگی مواجه بوده و پرسش هایی را در بخش رقابت، مهارت و خلاقیت و همچنان بقای شان پس از دوره انتقال به میان آورده است. عمده ترین مسایلی که موانعی برای رشد تشبثات کوچک و متوسط ایجاد می کند عبارت از روشن نبودن و غیرقابل پیشبینی بودن فضای اقتصادی این کشور، وابستگی به سازمان های تمویل کننده، نبود و یا کمبود انرژی صنعتی، دسترسی به بازارها، و نبود ارتباط واضح میان نیازهای بازار کار و نظام آموزشی این کشور است. بنابر محدودیت های اجتماعی، شدت چالشهای فوق در خصوص کاروبارهای که توسط زنان اداره و مدیریت میشوند، زیادتیر بوده و به نظر می رسد که حمایت از کار زنان در خارج از خانه رو به کاهش است. با اینکه افغانستان به کسر تجارت مواجه بوده اما در دهه گذشته تجارت این کشور رشد خوبی داشته است. گرچه آن تجارت در حد اقلام تجارتي که این کشور از قدیم به آن شهره بوده محدود باقی مانده است. افغانستان در سال ۲۰۰۲ میلادی در حدود ۱۰۰ میلیون دالر صادرات داشته در حالیکه این رقم در سال ۲۰۱۲ میلادی، ۴۷۰ میلیون دالر بود.

چالش های که تاجران افغان به آن مواجه اند، از رشد اقتصادی آنها جلوگیری می کند. مشکلات در حمل و نقل، ترانزیت کالا در مرزها، فساد اداری در گمرکات و دفاتر مالیات حکومت از جمله چالش های عمده تلقی می شوند. صادرات این کشور زیادتیر توسط تشبثات قانونی و کمیشن کارانی که اقلام صادراتی را از تولید کنندگان کوچکتر جمع آوری می کنند، صورت میگیرد. زیرا اکثریت تشبثات کوچک و متوسط افغانستان کماکان بطور غیرقانونی ثبت ادارات حکومتی نیستند. همچنان مسئولین در افغانستان از موجودیت «مافیای» ی سخن میزنند که با مسئولین در سطوح مختلف دولت ارتباط دارند. این گروه مافیایی در صادرات قسمتی از کالاها به پاکستان و دیگر کشورها دست دارند. بنابرین صادرات بعضی کالاها به دور از کنترل کیفیت و حیطة ای رسمی ادارات حکومتی صورت میگیرد. این کار ضمن اینکه از اعتبار کیفیت کالاهاى افغانستان میکاهد، روی عواید داخلی این کشور نیز تاثیر منفی گذاشته است. مرز افغانستان با پاکستان قابل اطمینان نیست چون تظاهرات در پاکستان علیه حملات هواییمای بدون سرنشین امریکا در خاک پاکستان، عمدتا سبب مسدود ماندن مرز می شود. برعلاوه، فساد در مرزهای پاکستان نیز چالش دیگری است که رقابت را برای تاجرانیکه از مرزهای سمت شمال افغانستان کالا وارد می کنند، محدود ساخته است. از جانب دیگر، ظرفیت بارگیری در مرزهای سمت شمال کشور نیز کافی نیست.

در سال های اخیر، افغانستان به عنوان محور اتصال تجارت میان کشورهای آسیای جنوبی و آسیای مرکزی و دیگر کشورهای آسیایی و از آنجا به کشورهای اروپایی مورد توجه بوده است. با اینکه زیرساخت های داخل افغانستان که به افزایش میزان و حجم تجارت کمک می کند تا حدی بهبود یافته اما کشورهای آسیای مرکزی خوشبین نیستند که از تجارت با این کشور نفع ببرند و از خطرات احتمالی از ناحیه داشتن مرز طولانی با افغانستان (۲،۰۰۰ کیلومتر) نگران اند. چون تعهد ایالات متحده امریکا نسبت به منطقه روشن نیست، بنابر این حجم تجارت میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی احتمالا بطور چشمگیری افزایش نخواهد یافت. طوریکه گفته شد دلیل آن هراس آسیای مرکزی از گسترش روابط تجارتي با افغانستان و «بعضی مسایل نرم» مثل نبود تکنولوژی مدرن در گمرکات آنها و حل نشدن مسایل تجارتي در مرزهای این کشورها می باشد.

برای انجام این مطالعه و تحقیق منابع و مطالعات قبلی در این حوزه بطور گسترده بررسی شده و نیز با مسئولین ذیدخل بطور همه جانبه مصاحبه شده است تا وضعیت فعلی تشبثات کوچک و متوسط در افغانستان، نقش زنان در تشبثات، وضع تجارت افغانستان با کشورهای آسیای مرکزی و نیز نقش این تشبثات در رونق تجارت میان این کشورها، بررسی شود.

## ۲. روش تحقیق

برای اجرای این تحقیق، اساساً از دو منبع استفاده شده است. در گام نخست، تحقیقات و مقاله‌های که در گذشته در این زمینه نوشته شده بطور جامع مطالعه شده و در گام دوم با مسئولین و افراد باتجربه در این حوزه مصاحبه شده است.

برای بررسی مطالعات قبلی، از گزارش‌های که در زمینه اقتصاد، تجارت و توسعه بخش خصوصی افغانستان و روابط دیپلماتیک میان دولت افغانستان و دولت‌های آسیای مرکزی نوشته شده، استفاده شده است. برای بررسی چالش‌های که در زمینه توسعه تشبثات کوچک و متوسط در افغانستان وجود دارند از گزارش‌های موسسات امدادی (بطور نمونه برنامه توسعه تشبثات کوچک و متوسط افغانستان - ASMED) استفاده شده است. برعلاوه، گزارش‌های بانک جهانی در خصوص وضعیت اقتصادی و محیط کاروبار در افغانستان و گزارش‌ها و مطالبی که توسط مسئولین دولتی و متخصصین مستقل در مورد صادرات، تجارت منطوقی، گسترش حمل و نقل و اصلاحات در گمرکات که در کنفرانس‌های مختلف ارائه شده است، مرور و بررسی شده‌اند.

برای تهیه این تحقیق معلومات ابتدایی از طریق انجام مصاحبه با مسئولین وزارت‌های مالی، تجارت و صنایع و اعضای انجمن‌های تجارتي، مالکین و صاحبان تشبثات کوچک و متوسط و مشاورین در بخش تجارت، جمع‌آوری شده است.

## ۳. اقتصاد افغانستان

طی یک دهه گذشته اقتصاد افغانستان بطور ثابت رشد کرده است. بخصوص رشد حقیقی تولیدات ناخالص داخلی (GDP) این کشور در بین سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲ میلادی بطور اوسط ۱۰.۵ درصد بوده است.<sup>۳</sup> حضور نیروهای بین‌المللی بخصوص مصارف هنگفت نیروهای نظامی در طی این دوره عامل عمده این رشد اقتصادی بوده است. بخش بزرگ رشد بخش خدمات، مخصوصاً بخش‌های لوژستیک و ساختمان‌سازی، به مصارف نظامی و غیرنظامی نیروهای بین‌المللی متکی بوده‌اند.

با آغاز خروج نیروهای نظامی از این کشور، رشد اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت. چرا که کمک‌های امدادی و توسعه‌ای نیز با بیرون شدن نیروهای نظامی بین‌المللی کاهش می‌یابد. از طرف دیگر چون آینده سیاسی افغانستان نیز روشن نیست بنا به نظر نمی‌رسد سرمایه‌گذاری‌های بزرگ نیز در این کشور صورت گیرد. کاهش در فعالیت‌های بخش ساختمان و خدمات در بعضی شهرهای مهم، ملاحظه شده است.<sup>۴</sup> روند انتقال در زمانی در افغانستان صورت می‌گیرد که پایه و اساس اقتصاد بازار که این کشور پس از حضور آمریکا به آن متعهد شد هنوز هم بطور کامل استحکام نیافته است. این در حالی است که پالیسی‌ها و قوانین مرتبط به این نظام اقتصادی موجود اند.<sup>۵</sup> توقع میرفت حکومت افغانستان پس از چندین دهه استفاده از نظام اقتصادی سوسیالیستی و پس از یک دهه نبود حکومت، روی اقتصاد بازار بخصوص در تعیین سسایدی و قیمت‌ها مداخله کند. مردم افغانستان به اقتصاد بازار و خصوصی‌سازی بعضی از کارخانه‌ها و صنایع تولیدی نیز به چشم شک و تردید می‌بینند و قسماً فکر می‌کنند که حکومت علاقه‌ای برای ایجاد شغل و تنظیم قیمت‌ها ندارد. تا کنون بعضی از این خلاءها توسط پول‌های امدادی و مصارف نیروهای خارجی پُر شده است. با بیرون شدن نیروهای خارجی و عدم روشن بودن آینده سیاسی این کشور، پول افغانی ارزش خود را از دست داده و سبب شکنندگی اقتصاد بازار در این کشور خواهد شد.

بانک جهانی چندین سناریو را در رابطه به آینده اقتصاد افغانستان در جریان دهه تحول و پس از اینکه نیروهای خارجی از این کشور بیرون میشوند، پیش‌بینی می‌کند. در این میان امیدوارکننده‌ترین سناریو این است که اقتصاد افغانستان بطور اوسط بین ۷ تا ۸ درصد رشد خواهد کرد. پیش‌فرض در این سناریو طوری است که انتقال نظامی روی محیط و اوضاع اقتصادی و تجاری این کشور تاثیری نخواهد کرد و همچنان پیش‌فرض دیگر این سناریو این است که بخش استخراج معادن افغانستان (چیزی که به وضعیت امنیتی وابسته است) بطور چشمگیر به اقتصاد کمک خواهد کرد. سناریوی دوم، ۶ درصد رشد اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند. در صورتی که رشد بخش زراعت و فضای کاروبار همچنان حفظ شده و کمک‌های بین‌المللی ناگهان قطع نشود، احتمال به حقیقت پیوستن این سناریو زیاد است. اما اگر اوضاع امنیتی وخیم شود، رشد اقتصادی کشور از حد ۱ درصد، پایین‌تر خواهد بود.

براساس گزارش بانک جهانی، نخستین سال دوره انتقال یعنی ۲۰۱۲ میلادی که مسئولیت تامین امنیت به نیروهای افغان واگذار شد، روی رشد اقتصادی کشور تاثیر زیادی نداشته است. طوریکه تخمین شد، اقتصاد این کشور در آن سال ۱۱.۸ درصد رشد کرد که تقریباً ۴.۵ درصد زیادت از میزان رشد در سال ۲۰۱۱ بوده است. حاصلات خوب زراعتی در آن سال یکی از عوامل افزایش رشد اقتصادی بوده است. تولیدات داخلی گندم تقریباً ۹۳ درصد از مصارف داخلی را تامین کرده و افغانستان تقریباً از ناحیه گندم خودکفا شد. تولید نفت در حوزه دریای آمو افزایش یافت و ۱.۸ درصد تولیدات ناخالص داخلی را تشکیل داد. این رقم به اندازه ۱.۲ درصد از سال ۲۰۱۰ میلادی زیادت‌تر بوده است. در حال حاضر تولیدات نفت ۱۹،۹۵۰ بی‌ریل در روز بوده و براساس بعضی سنجش‌ها، توقع می‌رود تا ختم سال ۲۰۱۴ میلادی این رقم به ۴،۰۰۰ بی‌ریل در روز برسد.

۳ گرفته شده از سایت بانک جهانی، رشد تولیدات ناخالص داخلی (سالانه به فیصدی) <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG/countries/?display=graph> تاریخ بازدید از این سایت ۱۵ جنوری ۲۰۱۴.

۴ گرفته شده از مقاله‌ی در سایت روزنامه اقتصادی ودم در افغانستان. سکتورهای خدمات و ساختمان در شهرهای مزار شریف و قندهار رو به کاهش است (از گزارش اتاق‌های تجارت و صنایع افغانستان؛ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳ میلادی). <http://www.wadsam.com/services-and-construction-sector-declining-in-kabulmazar-and-kandahar-acc-report> تاریخ بازدید از این سایت ۱۲ جنوری ۲۰۱۴.

۵ مصاحبه با یک تن از مسئولین وزارت تجارت و صنایع، کابل؛ ۶ دسامبر ۲۰۱۳ میلادی.

اما این رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۳ میلادی بخاطر روشن نبودن اوضاع امنیتی و سیاسی و کاهش محصولات زراعتی (بخاطر کاهش در بارندگی) بطور چشمگیری در حد ۳.۱ درصد کاهش یافت و اطمینان نسبت به کاروبار کاهش پیدا کرد. طوریکه شواهد نشان میدهد، ثبت و راجستر کاروبارهای جدید در سال ۲۰۱۲ میلادی به ۸ درصد پایین آمد.<sup>۶</sup> واحد پول افغانی ارزش خود را از ۴۸ افغانی در برابر یک دالر به ۵۷ افغانی در برابر یک دالر امریکایی از دست داد. صادرات کشور که ۲.۶ میلیارد دالر امریکایی برآورد شده بود در حدود ۵ درصد در سال ۲۰۱۲ میلادی کاهش یافت. این در حالی است که واردات در حدود ۱۱.۲ میلیارد دالر امریکایی افزایش یافت. کسر تجارت ۸.۵ میلیارد دالر می باشد.<sup>۷</sup> با وجودیکه میزان کلی واردات افزایش یافته اما عواید داخلی خلاف آنچه که توقع میرفت، پائین بوده است و یکی از دلایل کم بودن عواید، طرز اجراءات گمرکات می باشد.

در حال حاضر عواید داخلی تنها می تواند ۶۵ درصد از بودجه عادی را تامین کند، با اینکه بودجه عادی هر سال افزایش میابد. کسر بودجه عادی از طریق کمک سازمان های تمویل کننده مرفوع میگردد و قرار است تا کمک های نظامی و غیرنظامی که در کنفرانس های اخیر برای افغانستان تعهد شده اند این خلای بودجوی و مالی را پُر کند. چون در گذشته کمک های بین المللی زیادت در ساحات شهری متمرکز بود، بنا توقع میبود که کاهش این کمک ها نیز ساحات شهری را نسبت به ساحات روستایی، بیشتر متاثر کند.

بخش بزرگی از معادن افغانستان را مس، طلا و آهن تشکیل میدهد. ارزش این معادن ۳ میلیارد دالر امریکایی برآورد شده است. اما جهت راه اندازی این بخش و ایجاد شغل و عاید، لازم است سرمایه گذاری های بزرگ در این بخش صورت گیرد. تاکنون چنین سرمایه گذاری صورت نگرفته است. از طرف دیگر، عجله در کار استخراج معادن قبل از تثبیت پیش شرط ها و ارتقای نیروی بشری در داخل کشور سبب میشود تا از نیروی کار خارجی استفاده شود، بنا در چنین حالت، شتاب در استخراج معادن تاثیرات موثر اقتصادی را (از جمله کاهش سطح بیکاری) در پی نخواهد داشت.

۶ «افغانستان از انتقال تا تحول: گزارش ۲»، ملاقات با مسئولین بلند رتبه، بانک جهانی، ۲ جولای ۲۰۱۳. <http://www.worldbank.org/content/dam/Worldbank/document/2013/20130720/20130720.pdf> (accessed December.SAR/afghanistan/SOMWorldBank-July2013)

۷ همان ماخذ.

## ۴. تشیثات کوچک و متوسط

افغانستان به اقتصاد بازار روی آورده است و این به مفهوم پذیرفتن بخش خصوصی به عنوان ماشین رشد اقتصادی این کشور است. تشیثات کوچک و متوسط در قلب بخش خصوصی قرار دارد.<sup>۸</sup> این تشیثات در حدود ۸۰ درصد از کاروبار را در افغانستان تشکیل داده و نیمی از تولیدات ناخالص داخلی این کشور را می سازد. این در حالی است که یک سوم نیروی کار این کشور نیز در این تشیثات مشغول اند.<sup>۹</sup> با اینکه نقش تشیثات کوچک و متوسط در اقتصاد این کشور مهم و ارزنده است ولی رونق و توسعه این بخش تا این اواخر، در اولویت قرار نداشته است. این تشیثات با چالش های بسیار عمده مواجه اند.

### ۴.۱ استراتیژی تشیثات کوچک و متوسط

الی سال ۲۰۰۹ میلادی و هشت سال پس از حضور نیروهای بین المللی در افغانستان، این کشور دارای استراتیژی مشخصی برای توسعه تشیثات کوچک و متوسط نبود. استراتیژی تشیثات در سال ۲۰۰۹ میلادی نهایی شد<sup>۱۰</sup> و تطبیق آن از سال ۲۰۱۱ میلادی آغاز شد. در چوکات وزارت تجارت و صنایع اکنون ریاستی بنام ریاست تشیثات کوچک و متوسط تاسیس شده است.<sup>۱۱</sup> در ابتدا این ریاست با ۱۲ نفر کارمند به کار آغاز کرد اما پس از یک سال تعداد کارمندان آن دو برابر شد. با این حال، این ریاست به دلیل حجم کاری، هنوز هم به تعداد کافی کارمند ندارد.

از طرف دیگر، به دلیل بلند بودن کسر بیلانس تجارت در افغانستان تمرکز این استراتیژی در کوتاه مدت و میان مدت بیشتر روی بخشهای بوده است که در عرصه واردات فعالیت مینمایند. مخصوصا ریاست تشیثات کوچک و متوسط در عرصه ارایه خدمات آموزشی و معلوماتی برای تشیثات فعال بوده و از سازمان های تمویل کننده و دولت خواسته است تا صنایع مشخصی را از قبیل صنایع غذایی، روغن نباتی، مرغداری و لبنیات مورد حمایت قرار دهند. اما حداقل در کوتاه مدت رشد و تقویت صادرات کشور به عنوان یکی از اجزای کلیدی این استراتیژی مد نظر نبوده است، چرا که صادرات افغانستان به کالاهای سنتی خلاصه میشود.<sup>۱۲</sup> با این هم در میان مدت و دراز مدت این استراتیژی روی تثبیت بدیل برای اقلام وارداتی و صادرات مواد معدنی خود متمرکز می باشد.

مسئولینی که در زمینه رشد و ترقی تشیثات کوچک و متوسط فعالیت می کنند، ابراز تاسف کرده اند که هیچگاه کمپاین واضح و روشنی برای معرفی کردن نظام جدید اقتصادی راه اندازی نشده است و اینکه در خصوص مفهوم و رونق ارزش اضافه (Value Chain) توجه ای صورت نگرفته است. از طرف دیگر روی پالیسی اقتصادی میان مسئولین در سطوح بالا هماهنگی لازم وجود نداشته است. توسعه تشیثات کوچک و متوسط در این مدت بطور وقفه ای صورت گرفته و آن هم بیشتر مورد حمایت سازمان های تمویل کننده بوده است. مالکین صنایع «به سرعت با سرازیر شدن پول های بین المللی و اولویت های کاری بین المللی خود را وفق دادند و به تجارت کوتاه مدت روی آوردند که این عمل در درازمدت به قیمت بی توجهی به رشد صنایع تولیدی تمام شده است.»<sup>۱۳</sup>

بنا در این دوره، سازمان های بین المللی تمویل کننده نقش حکومت های پیشین و سوسیالیستی این کشور را در سبب سبب دادن به صنعت کاران و مالکین کاروبار عهده دار شدند. در این روند، نقش حکومت و نقش نظام اقتصاد نوین یعنی اقتصاد بازار تحت شعاع قرار گرفت و این مشکل با فساد گسترده در ادارات، وخیم تر شد. براساس گزارش ریاست تشیثات، اکثریت تشیثات کوچک و متوسط یعنی بین ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها بطور غیرقانونی فعالیت کرده که در ادارات حکومت رسماً ثبت نیستند.<sup>۱۴</sup> از دیدگاه مالکین و صاحبان این تشیثات، ثبت و راجستر بودن در چوکات ادارات رسمی حکومت سبب میشود تا تشیثات مورد سواستفاده کارمندان مالیه قرار گیرد. ولی با کم شدن نقش سبب سبب دادن سازمان های بین المللی، تشیثات برای حمایت از تجارت و کاروبارشان، به دولت رجوع خواهند کرد.

پس از ۱۰ سال تطبیق نظام اقتصاد بازار در این کشور، نقش حکومت کماکان همانند نقش آن در دهه گذشته است. اگر استراتیژی روشنی برای تشیثات کوچک و متوسط از ابتدای این نظام جدید وجود می داشت و مورد استفاده قرار می گرفت، حالا پس از گذشت این مدت زمان، ارزش اضافه (Value Chain) مورد امتحان قرار می گرفت و نقش حکومت برای فراهم آوری تسهیلات لازم برای رونق صنایع و کاروبار برای مالکین و صاحبان آن واضح می بود. در عوض رشد اقتصادی موجود بیشتر براساس رشد بازار در بخشهای ساختمان و خدمات بوده که با مصارف و حضور نیروهای خارجی در این کشور رونق یافتند. اما پرسش اینجاست که پس از مرحله انتقال، آیا تشیثات کوچک و متوسط میتوانند رقابت کنند و به فعالیت شان ادامه دهند؟

۸ بر اساس تعریف یکی از مسئولین (شماره ۳) در وزارت تجارت و صنایع، تصدی و تشیث «کوچک» آن است که بین ۵ تا ۲۰ نفر کارمند و تشیث «متوسط» آن است که بین ۲۰ تا ۱۰۰ نفر کارمند داشته باشد.

۹ «بهبود رقابت در تشیثات متوسط و کوچک در کشورهای عضو «گزارشی از وزارت تجارت و صنایع افغانستان در سازمان همکاری های اسلامی، استانبول، ترکیه، ۸-۱۱ اکتوبر، ۲۰۱۲»

۱۰ همان ماخذ

۱۱ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت تجارت و صنایع، کابل، ۶ دسمبر، ۲۰۱۳ میلادی.

۱۲ «بهبود رقابت در تشیثات متوسط و کوچک در کشورهای عضو. «گزارشی از وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان در سازمان همکاری های اسلامی، استانبول، ترکیه، اکتوبر، ۲۰۱۲»

۱۳ جیک کوساک و ایرک ملمستروم، «میدها و چالش های انکشاف سکتور خصوصی در افغانستان» شورای روابط خارجی، ۱ نوامبر ۲۰۱۰. بازدید از سایت به تاریخ، ۱ نوامبر ۲۰۱۳. <http://www.cfr.org/afghanistan/bactriangold-challenges-hope-private-sector-development-afghanistan/p۳۳۵۸۳>

۱۴ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت تجارت و صنایع، کابل، ۶ دسمبر، ۲۰۱۳ میلادی.

با وجود اینکه حکومت در زمینه رشد تشبثات استراتیژی روشن نداشته، اما سازمان های تمویل کننده، پروژه های مهمی را برای حمایت از تشبثات کوچک و متوسط تطبیق کرده اند. برنامه توسعه تشبثات کوچک و متوسط افغانستان (ASMED) با بودجه ۱۱۴ میلیون دالر، یکی از این برنامه ها بوده که در جریان مدت پنج سال و نیم گذشته تطبیق شده است. این برنامه در زمینه توسعه و رشد ارزش اضافه (Value Chain) تلاش کرده و صاحبان کاروبار در افغانستان را کمک کرده تا منافع اقتصادی خود را بلند ببرند. علاوه بر آن، این برنامه کمک های غیرنقدی و تخنیکی را برای صناعی از قبیل سنگ تراشی (سنگ های قیمتی)، قالین، و خدمات بسته بندی میوه جات و تولید کارتن برای میوه های تازه ارایه کرده است. هدف این برنامه کمک به انجمن ها و صنف های صنعتی و تشکیل انجمن های تجارتي جدید است.

هم چنین برنامه توسعه تشبثات کوچک و متوسط افغانستان (ASMED) بعضی از صنایع را جهت ارزیابی ارزش تولیدی آنها مورد مطالعه قرار داده است. بطور نمونه، صنعت سنگ مرمر در قسمت تکمیل کار خود و تامین روابط با بازارهای بین المللی به کمک نیاز داشت. این برنامه با سرمایه گذاری در این زمینه برای صنعت کاران کمک کرد و با انجمن ها و دولت بطور مشترک برای تثبیت فرصت های تجارتي خارج از کشور تلاش کرده است. انجمن صادرکنندگان میوه خشک قندهار و اتحادیه صادر کنندگان میوه تازه در زون جنوبی از حدود ۲۰۰۰۰ دهقان میوه خریداری می کند که در حدود ۹۰ درصد از میوه زون جنوب کشور را همین دو نهاد صادر می کنند. کارخانه تولید کارتن در قندهار با حمایت مستقیم برنامه توسعه تشبثات کوچک و متوسط افغانستان (ASMED) نصب و راه اندازی شد. اینکار مصرف بسته بندی هر ۲۰ کیلوگرام میوه را از ۲ دالر به ۱ دالر امریکایی کاهش داده است.

برای تثبیت و ارزیابی موفقیت این برنامه، باید یادآور شد که در چوکات آن برنامه برای ۱۳،۳۰۰ متشبت کمک و به تعداد ۱۰۰،۰۰۰ شغل ایجاد شد. اما با این هم چالش عمده تداوم و پایداری پروژه های تطبیق شده این برنامه است. مسئولین این برنامه خود از این مشکل واقف بوده و یادآور شده اند که حتی در ایالات متحده امریکا ۳۰ درصد از تشبثات های تازه کار پس از دو سال، از فعالیت باز می ایستند.

## ۴،۲ تشبثات کوچک و متوسط و چالش ها:

اولا باید یادآور شد که در افغانستان تشبثات در وضع نامطلوب و شکننده ای قرار دارند، چون در همان سال های اول پس از آمدن امریکا به افغانستان در قسمت تشبثات توجه لازم نشده است. دولت افغانستان الی سال ۲۰۰۹ میلادی استراتیژی خاصی در مورد رشد تشبثات نداشت و حتی پس از نهایی شدن، این استراتیژی تا سال ۲۰۱۲ میلادی در مرحله اجرایی قرار نگرفت. برعلاوه چون افغانستان با کسر بیلاس تجارت مواجه بود، این استراتیژی در مرحله اول بیشتر به یافتن بدیل برای اقلام وارداتی توجه کرده است. ترویج و رونق دادن بخش صادرات در اولویت این استراتیژی نبود. با آن هم، با وجودیکه استراتیژی روشنی در این زمینه وجود نداشت، پروژه های که توسط سازمان های تمویل کننده حمایت میشد این خلاء را تا حدودی پر کرده اند و در قسمت ارتقای قابلیت های تخنیکی و ارزش اضافه (Value Chain) به تولیدات داخلی این کشور کمک کرده اند. برنامه توسعه تشبثات کوچک و متوسط افغانستان که توسط سازمان توسعه بین المللی ایالات متحده امریکا تمویل شد، یکی از این برنامه ها است.

با در نظر داشت چالش ها، پرسش های مهمی در خصوص قابلیت این تشبثات برای رقابت در بازار، داشتن مهارت های لازم برای نوآوری و حتی توانایی بقا و ادامه کارهای شان در جریان مرحله انتقال مطرح می شود. عمده ترین چالشهای که این تشبثات با آن مواجه اند عبارت اند از نامشخص بودن فضای کاروبار و کاهش اطمینان سرمایه گذاران و متشبتین، وابسته گی به کمک های سازمان های تمویل کننده برای آغاز کاروبار، دسترسی کم به قرضه، نبود انرژی به میزان کارهای صنعتی، کنترل کیفی تولیدات و مهارت نوآوری، تنوع ناچیز در تولیدات و دسترسی به بازارها. هم چنین نداشتن آگاهی کامل در مورد کارکرد نظام اقتصادی جدید نیز از موانع اساسی در زمینه رشد تشبثات کوچک و متوسط تلقی می شود. برعلاوه، ظرفیت های تخنیکی و انسانی ناکافی بوده و این مشکل با عدم هماهنگی بازار کار و نظام آموزشی کشور حادث شده است.

اکثریت این تشبثات در ساحات شهری و به دور از ساختارهای رسمی دولت فعالیت دارند. در این میان در حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از آنها بطور غیرقانونی و بدون اینکه در ادارات دولت رسماً ثبت باشند، فعالیت می کنند. ترس این تشبثات ها بیشتر از اینجا سرچشمه میگیرد که مبادا فساد اداری در دستگاه ادارات حکومتی جریان فعالیت های آنان را آسیب برساند.<sup>۱۵</sup> بنا متشبتین فکر می کنند رسمی ساختن فعالیت های شان بخاطر این فساد اداری به جز نقص، مفادی در پی ندارد. این وضعیت بعضی از تشبثات را به خصوص آنانی را که میخواهند در زمینه صادرات فعالیت کنند آسیب پذیر ساخته و آنان را در معرض سواستفاده «کمیشن کاران» قرار داده که به شکل یک گروه مافیایی کار میکنند. از طرف دیگر این مسئله سبب تضعیف کیفیت تولیدات افغانستان شده و باعث کاهش عایدات دولت می شود.<sup>۱۶</sup>

برنامه توسعه تشبثات روستایی افغانستان یا (AREDP) یک بررسی را در سال ۲۰۰۹ میلادی انجام داد که نشان میدهد در پهلوی مشکلات اساسی از قبیل نامنی و عدم دسترسی به قرضه، این تشبثات به مشکل نداشتن ظرفیت کاری برای تهیه برنامه کاروبار و بازاریابی نیز مواجه اند. در حدود ۶۰ درصد تشبثات که در این بررسی ارزیابی شده اند در زمینه «توسعه علمی کاروبار»<sup>۱۷</sup> خود نیاز به کمک دارند. این چالش در بررسی های برنامه (ASMED) نیز تأیید شده است. جمع آوری معلومات در مورد بازار و کمک به تشبثات کوچک و متوسط برای تحلیل و سپس استفاده از آن معلومات کاری دشوار است. علاوه بر آن، بررسی (۲۰۱۳ میلادی) اتاق های تجارت و صنایع افغانستان حاکی از آن است که ۸۰ درصد از صاحبان و مالکین تشبثات نبود برق، ۷۸ درصد آنان فساد اداری، و ۳۲ درصد مشکل دسترسی به زمین را از چالش های اساسی فراراه تشبثات خود، می دانند.<sup>۱۸</sup>

۱۵ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت تجارت و صنایع، کابل، ۶ دسمبر، ۲۰۱۳ میلادی.

۱۶ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت تجارت و صنایع، کابل، ۳ دسمبر، ۲۰۱۳ میلادی.

۱۷ «بهبود رقابت در تشبثات متوسط و کوچک در کشور های عضو.» گزارشی از وزارت اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان در سازمان همکاری های اسلامی.

۱۸ بر اساس بررسی اتاق های تجارت و صنایع بیشتر از ۵۰ درصد از شرکت های خصوص افغان به آینده امیدوار می باشند. سایت دصم (۶ جون ۲۰۱۳ میلادی)

در خصوص امنیت باید یادآور شد که «نامشخص بودن و غیرقابل پیشبینی بودن اوضاع امنیتی» اساسی ترین نگرانی است، نه ناامنی فزیکتی. بسیاری از تشیثات کوچک و متوسط در مراکز شهری از جمله کابل، مزار شریف، هرات، قندهار، جلال آباد، قندوز، میمنه، تالقان و جوزجان فعالیت می کنند که در این مناطق، ناامنی فزیکتی یکی از مشکلات عمده نبوده است. در سال های اخیر، اکثر مراکز شهری با اینکه در مواردی، هدف حمله شورشیان قرار گرفته اند اما نسبتاً امن بوده اند. مسئله غیرقابل پیشبینی بودن وضعیت امنیتی زیادتر با بیرون شدن نیروهای خارجی و انتقال قدرت سیاسی در این کشور ربط دارد. اگرچه تشیثات افغانستان در شرایط ناامن تاسیس شد و تا حدی مجبور اند در موجودیت ناامنی به فعالیت های خود ادامه دهند، اما ترس از رفتن به سمت و سوی ناامنی ها و احتمال جنگ داخلی چون دهه ۱۹۹۰ میلادی که انجام هر نوع فعالیت اقتصادی را ناممکن ساخت، از رشد و توسعه تشیثات کاسته است. از جانب دیگر، ناکامی این دور انتخابات باعث هرج و مرج شده که برای رشد کاروبار مفید نخواهد بود.

دسترسی به بازارها وابسته به توانایی و ظرفیت کاروبار و تشیث می باشد. در بازار صادرات مخصوصاً صادرات میوه خشک، تشیثاتی وجود دارند که چندین دهه در زمینه صادرات میوه سابقه کاری دارند.<sup>۱۹</sup> این تشیثات به آسانی توانسته اند ارتباطات خود را با بازارها از سر گرفته و حتی بیشتر از پیش توسعه دهند. ولی تشیثات تازه وارد، این ظرفیت دسترسی به بازار را ندارند. بطور نمونه متشبیثین به نمایشگاه های بین المللی تنها به عنوان مکانی برای فروش اجناس شان نگاه می کنند و از آن به عنوان فرصتی که بتوانند ارتباطات دائمی تری را با مشتریان ایجاد کنند، استفاده نمی کنند.

### ۴,۳ تشیثات کوچک و متوسط و زنان:

بنابر محدودیت های اجتماعی، چالش های متذکره برای تشیثاتی که توسط زنان مدیریت و رهبری می شود، پیچیده تر است. زن بودن، دسترسی آنان را هم به بازارها و به قرضه مخصوصاً در حالاتی که اسناد ملکی برای تضمین قرضه نیاز می باشد، پیچیده ساخته است. هم چنین بیسوادی و فقدان ظرفیت لازم از مشکلات عمده زنان است. پالیسی های اقتصادی بیشتر توسط مردان ساخته می شوند و زنان در بخش های تصمیم گیری در عرصه اقتصادی در اتاق های تجارت و صنایع افغانستان و اداره حمایت از سرمایه گذاری (آیسا) حضور ندارند.

با اینکه سهم و اشتراک زنان در روند ارزش اضافه (Value Chain) قابل مقایسه با سهم مردان است اما نقش زنان از نظر رهبری و مدیریت تشیثات ناچیز است. ارقام اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان (آیسا) نشان میدهد که پس از سال ۲۰۰۳ میلادی در حدود ۱۶۰۰ تشیثی که زنان مالک آن هستند، ثبت شده است. اکثریت این تشیثات کوچک و متوسط در بخش های صنایع دستی و بخش خدمات فعالیت می کنند<sup>۲۰</sup> و توسط سازمان های تمویل کننده قسماً کمک مالی میگیرند، اما این نوع کمک ها یا سبسایدی، ثبات و پایداری این تشیثات را زیر سوال قرار داده است.



کارگر یک کارخانه در حال ساخت توپ فوتبال در کابل

۱۹ <http://www.wadsam.com/acci-survey-reveals-more-than-5-of-afghan-private-firms-are-optimistic-about-future> (تاریخ بازدید از سایت ۱ دسامبر ۲۰۱۳ میلادی)

۲۰ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت تجارت و صنایع، کابل، ۳ دسامبر، ۲۰۱۳ میلادی.

۲۰ «استراتژی توانمند سازی زنان افغان از نظر اقتصادی.» از آن سیمونز-بیتون، جاسیکا هینزلمن، و جیل سائیکت. سازمان انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا، مارچ ۲۰۱۲. [http://pdf.usaid.gov/pdf\\_docs/pnady8۰۴.pdf](http://pdf.usaid.gov/pdf_docs/pnady8۰۴.pdf)

با پایان یافتن و کاهش کمک‌های سازمان‌های تمویل‌کننده، پرسش‌های در مورد دوام نقش زنان در امور اقتصادی این کشور مطرح می‌شود. فکر می‌شود که نامعلوم بودن آینده سیاسی این کشور، محدودیت‌های اجتماعی بر زنان را نیز افزایش دهد. یکی از بررسی‌های که در این اواخر انجام یافته، نشان می‌دهد که حمایت از اشتغال زنان در بیرون از خانه از ۷۱ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۶۳ درصد در سال ۲۰۱۳ میلادی، تقلیل یافته است.<sup>۲۱</sup> از طرف دیگر توانایی وزارت امور زنان به عنوان نهاد مسئول که باید از جایگاه زنان در طرح پالیسی‌های اقتصادی پشتیبانی کند، مورد انتقاد قرار گرفته است. برعلاوه، وزارت امور زنان نتوانسته است تا در سطح روستاهای افغانستان حضور قابل‌لمسی داشته باشد. تقریباً ۷۷ درصد مردم آن مناطق که بررسی متذکره در آنجا صورت گرفته از فعالیت‌های امور زنان در مناطق شان اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. در مجموع ۱۲۵ انجمن زنان در کشور وجود داشته که اکثر آنها در کابل فعال‌اند. این بیانگر عدم توازن در رشد منطوقی است.<sup>۲۲</sup>

بدون یک چارچوب پالیسی که حامی محیط مناسب کاری باشد، پویایی کاری زنان بدون استفاده باقی مانده و ضایع خواهد شد، چرا که با نبود چنین چارچوب، شرکت‌ها از فرصت دادن به زنان ابا می‌ورزند.

تشبثاتی که توسط زنان رهبری و مدیریت می‌شوند برای دسترسی به امکانات مالی دچار مشکلات‌اند. فعلاً ۱۷ بانک تجاری و نهادهای قرضه‌های کوچک برای صاحبان کاروبار قرضه فراهم می‌کنند، اما برای حصول قرضه از این بانک‌ها ضمانت لازم است. این ضمانت‌ها اکثراً تنها ملک و یا زمین بوده می‌تواند. دسترسی و حق داشتن ملک و زمین برای زنان افغان محدود است. از نظر تاریخی در افغانستان ملکیت تنها تحت نام مردان ثبت شده می‌تواند.

تشبثاتی که توسط زنان مدیریت و رهبری می‌شوند، از نظر ظرفیت مدیریتی نیز به مشکلاتی گرفتار‌اند. این تشبثات با داشتن «ذهنیت سازمان‌های غیردولتی» فعالیت نموده و برای رقابت در بخش مربوطه شان تلاش می‌کنند. براساس گزارش‌ها بعضی از پروژه‌های مربوط به برنامه توسعه تشبثات کوچک و متوسط افغانستان، این تشبثات در مصرف کردن بودجه، کاهش سطح عواید و حتی در مدیریت اداری و مالی ادارات خود به مشکل مواجه‌اند. لزوماً نیاز است تا برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای تشبثات زنان به غیر از بخش صنایع دستی نیز افزایش یابد. برنامه ظرفیت‌سازی باید به مسایل دیگر از قبیل ارزش اضافه (Value Chain)، و اینکه چگونه تولیدات آنها بطور پایدار به بازارها دسترسی داشته باشد، توجه و رسیدگی کند.

۲۱ «سروی مردم افغانستان در سال ۲۰۱۳ میلادی». دسمبر ۲۰۱۳ میلادی. بنیاد آسیایی. <http://asiafoundation.org/resources/pdfs/English2013ExecutiveSummary.pdf>, (accessed January ۱, ۲۰۱۴)

۲۲ همان‌جا.

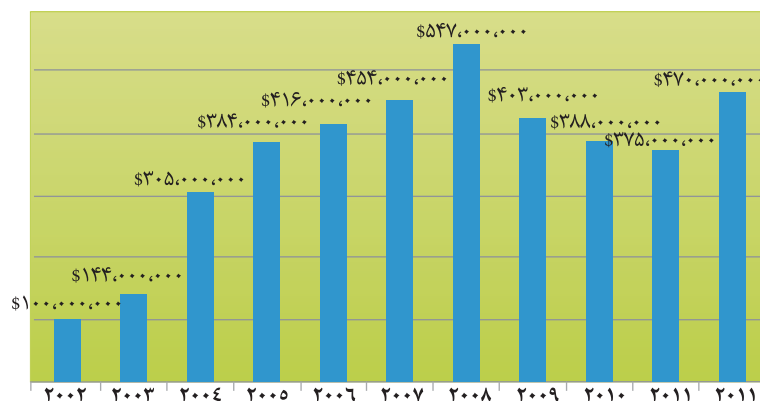
## ۵. تجارت در افغانستان

طی یک دهه گذشته، تجارت در افغانستان رشد چشمگیری داشته است. این در حالی است که کسر بیلانس تجارت (تفاوت واردات و صادرات) نیز زیاد بوده است. با اینکه افغانستان به شدت برای مصارف داخلی خود به تولیدات خارجی وابسته است، صادرات این کشور هم از نظر کمیت و هم از نظر تنوع کالاهای صادراتی، در حد پائین قرار دارد. بانک جهانی از دیدگاه تجارت خارجی و برون مرزی، افغانستان را در ردیف ۱۸۴ (از جمله ۱۸۹ کشور) رده بندی کرده است. در سال ۲۰۰۸ میلادی صادرات این کشور به نقطه اعظمی رسید اما این صادرات از سال ۲۰۱۱ میلادی بدین سو کاهش یافته طوریکه در بعضی کالاهای صادراتی این کاهش تقریباً ۵۰ درصد بوده است.

براساس گفته های مسئولین، نامنی تنها دلیل کاهش در میزان صادرات نبوده بلکه دلایل دیگر نیز دارد. فساد اداری و حلقات مافیایی که دور از دسترسی ادارات رسمی حکومت در کار صادرات کالا فعال اند، عوامل دیگری اند که کیفیت اجناس تولیدی افغانستان را تضعیف کرده و اعتبار آن را در نزد مصرف کنندگان خارجی این تولیدات متاثر می سازد. حمل و نقل مخصوصاً در بخش های مرزی، کماکان یک مشکل عمده است. در سطح پالیسی نیز دولت نتوانسته سکوت دولت های آسیای مرکزی برای برقراری روابط تجاری با افغانستان را بشکند. این دولت ها بخاطر نامعلوم بودن وضع سیاسی و امنیتی این کشور، تا هنوز در زمینه گسترش روابط تجاری شان با افغانستان دچار شک و تردید اند. کمیت تجارت با پاکستان افزایش یافته که شامل گسترش تجارت غیرقانونی نیز است. گسترش این نوع تجارت، عواید دولت افغانستان را از ناحیه جمع آوری مالیات گمرکی فوق العاده متاثر ساخته است.

در سال ۲۰۰۲ میلادی، صادرات افغانستان ۱۰۰ میلیون دلار امریکایی سنجش شده بود اما در سال ۲۰۱۲ میلادی این رقم به ۴۷۰ میلیون دلار افزایش یافت. اینها ارقامی اند که رسماً در ادارات حکومتی ثبت است. اگر مبلغ کالاهایکه بطور قاچاق صادر میشوند و در ادارات رسماً ثبت نیستند به آن اضافه شود، صادرات افغانستان در حدود ۲۰۶ میلیارد دلار امریکایی افزایش میابد. صادرات رسمی این کشور در سال ۲۰۰۸ میلادی به بالاترین سطح یعنی ۵۴۷ میلیون دلار رسید. دلیل این افزایش بیشتر سرمایه گذاری در بخش رشد و توسعه تشبثات کوچک و متوسط بوده است.

شکل ۱: احصایه صادرات افغانستان



این افزایش ناچیز در صادرات کالا به این دلیل زیاد جلوه می کند که در همان ابتدا صادرات این کشور در حد پائین قرار داشت. بانک توسعه آسیایی در سال ۲۰۱۰ میلادی، صادرات افغانستان را در حد ۱۰۰۱۹ میلیارد دلار امریکایی تخمین کرده بود. براساس این سنجش، حتی اگر وضعیت راه های مواصلاتی و اقتصادی منطقوی بهبود پیدا میکرد، صادرات افغانستان در حدود ۱۰۶۱۲ میلیارد دلار افزایش می یافت. اما میزان کلی و واقعی صادرات در آن سال از ۴۹۲ میلیون دلار امریکایی بالاتر نرفت.

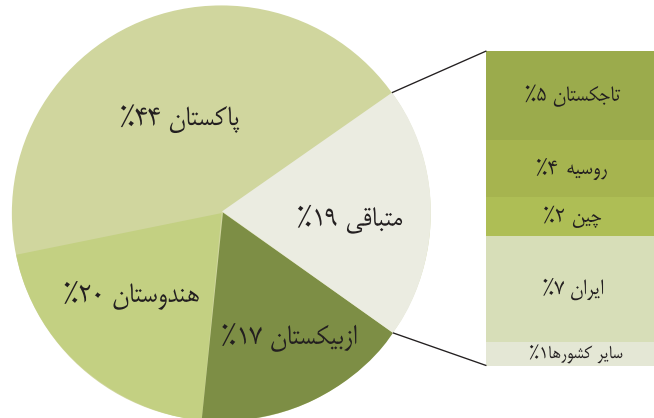
چین، ازبکستان<sup>۳</sup>، و پاکستان عمده ترین شرکای تجاری افغانستان هستند. این کشور از آسیای مرکزی مجموعاً در سال ۲۰۱۲ میلادی به ارزش ۱۰۵ میلیارد دلار واردات داشته و با آن کشورها به ارزش ۱۷ میلیون دلار کالا صادر کرده است. در همان سال، افغانستان از پاکستان به ارزش ۵۸۷ میلیون دلار کالا وارد و به ارزش ۱۵۱ میلیون دلار کالا به آن کشور صادر کرده است. با چین نیز، واردات افغانستان به ارزش ۷۰۳ میلیون دلار و صادرات آن به ارزش مجموعی ۱۱۰۶ میلیون دلار در آن سال ثبت شده است.<sup>۳۴</sup>

۳۳ بخش بزرگی از تجارت با ازبکستان را واردات برق تشکیل میدهد.

۳۴ «سفارشات برای کشورهای آسیای مرکزی». نجلا حبیب یار. ارائه گزارش توسط رییس اداره حمایت از صادرات افغانستان. ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲.



شکل ۲: شرکای تجاری افغانستان



منبع: اداره احصایه مرکزی و اداره حمایت از صادرات افغانستان

صادرات افغانستان محدود به اقلام سنتی این کشور است. در مجموع فالین ۴۰ درصد، میوه خشک ۲۰ درصد، نباتات طبی ۱۴ درصد، و میوه تازه ۱۳ درصد صادرات این کشور را تشکیل میدهد. پوست، روده و پشم از دیگر اقلام صادراتی افغانستان است.<sup>۳۵</sup> در حدود ۸۰ درصد از میوه خشک به کشورهای آسیای مرکزی و یا از آن طریق به نقاط دیگر جهان صادر میشود. نمایندگی توسعه صادرات افغان-روسیه اعلام کرده که در سال ۲۰۱۲ میلادی، از افغانستان ۲۰،۰۰۰ تُن کِشمش را تنها به کشورهای آسیای مرکزی صادر کرده است.<sup>۳۶</sup> در حالیکه میوه تازه این کشور زیادتیر به پاکستان صادر میشود. اکثرا این کار بطور غیرقانونی صورت گرفته چرا که میزان قاچاق و فساداداری در مرزهای شرقی این کشور، زیادتیر است.

## ۵.۱ تجارت با کشورهای آسیای مرکزی

کشورهای آسیای مرکزی ۲،۰۰۰ کیلومتر با افغانستان مرز مشترک دارند و بخاطر این مرز طولانی، دولت های آسیای مرکزی روی فواید روابط تجاری خود با افغانستان تردید دارند. برای توضیح و یافتن پاسخ به این تردید، باید به تاریخ رجوع کرد. ما سوای این حقیقت که جمهوریت های سابق اتحاد شوروی در جریان دو دهه روابط تجاری افغانستان با اتحاد شوروی نقش اساسی داشتند، سقوط نظام های حاکم در کابل و مسکو پس از جهاد ضد شوروی سبب انشعاب دولت های آسیای مرکزی، مخصوصا در جریان جنگ داخلی در تاجیکستان شد. شورشیان این جنگ تاجیکستان بیشتر در افغانستان پناهگاه داشتند. در جریان سال های ۱۹۹۰ میلادی اقتصاد قانونی و رسمی اصلا میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی وجود نداشت. این کشورها در آن زمان همه بخاطر انتقال قدرت در یک دهه رکود اقتصادی قرار داشتند. رکود اقتصادی در تمام کشورهای آسیای مرکزی در بین سالهای ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۰ میلادی از بین رفت. در این مدت رشد اقتصادی ترکمنستان عدد دو رقمی بوده است.<sup>۳۷</sup> بیشترین سهم رشد تجارت در این کشورها را اقلام اولیه از قبیل محصولات هایدروکابن و فلزات تشکیل میدهد. ولی سهم کالاهای تولیدی در صادرات این کشورها همچنان کم است. در سال ۲۰۱۰ میلادی، سهم صادرات این کشورها در میان یکی دیگر تنها ۵.۹ درصد بود و صادرات آنها به کشورهای اتحادیه اروپا، روسیه و چین بطور مشترک ۶۹ درصد از مجموع صادرات آنها را تشکیل میداد.<sup>۳۸</sup>

طی دهه گذشته رشد میزان تجارت کشورهای آسیای مرکزی با افغانستان نیز چشمگیر بوده است. ولی سطح این تجارت به مقایسه تجارت کشورهای آسیای مرکزی با دیگر کشورها ناچیز است. بطور مثال، تجارت تاجیکستان با افغانستان از ۳.۲ میلیون دالر در سال ۲۰۰۱ میلادی به ۹۲.۱ میلیون دالر در سال ۲۰۱۰ میلادی افزایش یافت، ولی سهم تجارت افغانستان در تجارت خارجی تاجیکستان پائین تر از ۱ درصد بوده که اکثرا در بخش برق و بازصور کالاها میباشد.<sup>۳۹</sup>

با افزایش ابهام در مورد بیرون شدن نیروهای نظامی امریکا از افغانستان، حداقل در کوتاه مدت به نظر نمی رسد که تجارت میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی بطور دراماتیک تغییر کند. دو دلیل برای این وجود دارد، یکی آنکه آسیای مرکزی در رابطه به گسترش روابط اش با این کشور تردید و هراس دارد، و دوم اینکه بنابر مسایل «نرم» مثلا در قسمت دسترسی نداشتن به تکنولوژی مدرن در گمرکات و مرزهای خود،<sup>۴۰</sup> فرصتی برای گسترش روابط وجود ندارد. مسئولین افغانستان از کند بودن ارتباطات با مسئولین کشورهای آسیای مرکزی شکایت می کنند. با

۳۵ «سفارشات برای کشورهای آسیای مرکزی»، نجلا حبیب یار، ارایه گزارش توسط رییس اداره حمایت از صادرات افغانستان برای پروگرام FAIDA سازمان توسعه بین المللی ایالات متحده امریکا، جون ۲۰۱۳ میلادی.

۳۶ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت تجارت و صنایع، کابل، ۳ دسمبر، ۲۰۱۳ میلادی.

۳۷ رومان ماجیلوسکی، «گرایش ها و الگوی ها در تجارت خارجی کشور های آسیای میانه»، انستیتوت پالیسی و اداره عامه؛ از سلسله نشریات کاری شماره ۱؛ بشکیک، پوهنتون آسیای میانه، ۲۰۱۲. همان مأخذ.

۳۸ «روابط تجاری و اقتصادی بین جمهوری تاجیکستان و جمهوری اسلامی افغانستان»، خواجه محمد عمروف، انستیتوت پالیسی و اداره عامه؛ از سلسله نشریات کاری شماره ۱۳؛ بشکیک، پوهنتون آسیای میانه، ۲۰۱۳.

۳۹ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت مالیه، کابل، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳ میلادی.

اینکه در هر دو سمت مرز، وضعیت راه های مواصلاتی بهبود یافته، اما کشورهای آسیای مرکزی در قسمت نصب تکنولوژی جدید در گمرکات خود پیشرفت چندانی نداشته اند. براساس بعضی گزارش ها، کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان نسبت به واردات کالا از افغانستان متردد بوده و در نظر دارند با آغاز روند خروج نیروهای خارجی از این کشور، امنیت مرزهای خود را تقویت کنند.

## ۵,۲ تسهیلات در تجارت و ترانزیت: توسعه زیرساختها

در پهلوی مسایل امنیتی و نامعلوم بودن وضعیت سیاسی این کشور، یکی از موانع کلیدی دیگر در بسط و گسترش روابط تجاری با کشورهای آسیای مرکزی، زیرساخت ها و تسهیلات برای تجارت است. شاخص عملکرد لوژستیک که توسط بانک جهانی توسعه داده شده، نشان میدهد که کشورهای آسیای مرکزی با اینکه پیشرفت های در این زمینه داشته اند اما از نظر لوژستیک زمینه های خوب تجارت در آنها مساعد نیست. در سال ۲۰۰۷ میلادی، از میان ۱۵۵ کشور، افغانستان در ردیف ۱۵۰، تاجیکستان ۱۴۶، ازبکستان ۱۲۹، و قزاقستان ۱۲۹ رده بندی شده بودند. تا سال ۲۰۱۲ میلادی، این کشورها در رده بندی بهتری قرار گرفتند، طوریکه شاخص افغانستان ۱۵ پله، از تاجیکستان ۱۰ پله، ازبکستان ۱۲ پله و قزاقستان ۴۷ پله در این رده بندی صعود کرد.

جدول ۱: شاخص عملکرد لوژستیک

کشور	۲۰۰۷	۲۰۱۰	۲۰۱۲
افغانستان	۱۵۰	۱۴۳	۱۳۵
تاجیکستان	۱۴۶	۱۳۱	۱۳۶
ازبکستان	۱۲۹	۶۸	۱۱۷
قزاقستان	۱۳۳	۶۳	۸۶

منبع: شاخص عملکرد لوژستیک، بانک جهانی<sup>۳۱</sup>

در دهه گذشته کارهای زیادی در قسمت بهبود تسهیلات حمل و نقل از طریق توسعه زیرساختها مخصوصا در قسمت راه های داخلی و خط آهن در کشورهای آسیای مرکزی انجام یافته است. سازمان همکاری های اقتصادی و منطقوی آسیای مرکزی (CAREC) که توسط بانک توسعه آسیایی رهبری میشود یکی از این نهادها است که در هماهنگی پروژه های زیرساخت ها به هدف بهترسازی تسهیلات برای تجارت در این منطقه، فعالیت می کند.<sup>۳۲</sup> هدف اصلی این سازمان این است که راه های مواصلاتی در این منطقه توسعه داده شده تا بلاخره خاور دور، آسیای جنوبی، آسیای مرکزی با شرق میانه و اروپا وصل شود. این سازمان میخواهد تا سال ۲۰۱۷ میلادی خطوط مواصلاتی کاملا فعال گردند. تاکنون ۱۲۰ پروژه حمل و نقل را به ارزش مجموعی ۱۹ میلیارد دلار امریکائی تطبیق کرده است. این پروژه ها شامل ترمیم و ساخت ۴۰۰۰ کیلومتر سرک و ۳۲۰۰ کیلومتر خط آهن می شود. در این اواخر روی تطبیق پروژه های بیشتر طی هفت سال آینده به ارزش ۳۸,۸ میلیارد دلار امریکایی توافق صورت گرفته است.<sup>۳۳</sup>

همچنین در افغانستان، توسعه، ساخت و ترمیم شاهراه های این کشور یکی از دست آوردهای کلیدی دهه گذشته به شمار می رود. تخمینا در سال ۲۰۰۲ میلادی، این کشور تنها ۵۰ کیلومتر راه آسفالت شده داشته است. افغانستان امروز، ۳۲۰۰ کیلومتر شاهراه حلقوی و آسفالت دارد.

به طول ۷۵ کیلومتر خط آهن که میتواند ۳۰,۰۰۰ تا ۴۰,۰۰۰ تن کالا را در یک ماه انتقال دهد، در بین شهر مزارشریف و ازبکستان ساخته شده است. این خط آهن به عنوان مسیر حمل و نقل برای نیروهای ناتو مهم پنداشته میشود، خصوصا اینکه مسیر تدارکاتی ناتو از طریق پاکستان بیش از پیش قابل اعتبار نیست و هر از چندگاهی با تظاهرات مردم پاکستان، مسدود می شود. نیروهای خارجی بعضی از تجهیزات نظامی خود را با استفاده از این مسیر خارج خواهند کرد. در حال حاضر، پروژه اعمار ۳۰۰ کیلومتر خط آهن که شرق و غرب سمت شمال این کشور را به هم وصل می کند، تحت بررسی و مطالعه قرار دارد.

۳۱ شاخص عملکرد لوژستیک، بانک جهانی، <http://siteresources.worldbank.org/TRADE/Resources/15=pdf#page> (بازدید از سایت به تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۱۳ میلادی).

۳۲ سازمان همکاری های اقتصادی و منطقوی آسیای میانه (CAREC) شامل ۱۰ کشور است که از شش سازمان های بین المللی کمک های تکنیکی و مالی دریافت میدارند. سازمان های بین المللی اینها اند: بانک توسعه آسیایی، بانک اروپائی برای بازاری و توسعه، صندوق بین المللی پول، بانک توسعه اسلامی، پروگرام انکشافی سازمان ملل، و بانک جهانی. <http://www.adb.org/countries/subregional-programs/carec>

۳۳ «وزرای کشور های عضو سازمان همکاری های اقتصادی و منطقوی آسیای میانه (CAREC) روی پلان کاری ۲۳ میلیارد دلاری برای توسعه روابط میان کشور های آسیای میانه به توافق رسیدند. ۲۰ اکتوبر، ۲۰۱۲ میلادی.» <http://www.adb.org/news/carec-ministers-agree> (بازدید از سایت به تاریخ ۱ دسامبر ۲۰۰۳)

### ۵,۳ تسهیلات برای تجارت و ترانزیت: پروژه های نرم

برخلاف توسعه زیرساخت ها، در خصوص رشد اجزای «ترنتر» که نیاز است تا ظرفیت و کمیت تجارت بین کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان را افزایش یابد، کار چندانی صورت نگرفته است و به نظر میرسد که چالش های عدیده ای در این مرحله وجود دارد.

دولت های آسیای مرکزی روی واردات کالا از افغانستان بیشتر «به خاطر آمدن سلاح و مواد مخدر از این کشور» اعتماد ندارند.<sup>۳۴</sup> معاینه فیزیکی اموال در مرزهای گمرکی همچنان یک مشکل اساسی بوده که سبب کندی در حمل و نقل محموله های تجاری میشود. تا هنوز کشورهای آسیای مرکزی تکنولوژی لازم را برای تجارت و ترانزیت در گمرکات شان کار گذاری نکرده اند و خط استندرد ارتباطی در قسمت کالا مخصوصا کالاهای ترانزیتی ندارند. اینکار سبب افزایش مصارف تاجران و محدود شدن میزان تجارت آنها شده است.<sup>۳۵</sup>

برخلاف، افغانستان در گمرکات خود سیستم خودکار معلومات گمرکی یا اسیکودا (ASYCUDA) را نصب کرده که زمینه تامین ارتباط و ارایه معلومات گمرکی را در داخل و خارج از مرزهای این کشور به شکل مدرن فراهم می سازد. کارمندان حرفه ای و آموزش دیده در گمرکات، این سیستم را مدیریت می کنند و معلومات گمرکی را به آسانی در بین خود شریک می سازند. مثلا، زمانیکه یک لاری کالا از پاکستان میخواهد از طریق افغانستان بطور ترانزیت وارد ازبکستان شود، این کالا در مرز تورخم مهر خورده و ثبت این سیستم میشود و بعد از خروج از مرز حیرتان، از این سیستم نیز خارج میشود. با این هم اخاذی و فساد اداری در پوسته های امنیتی در مسیر راه، بطور گسترده وجود دارد. در این اواخر راننده های لاری های سمت شرق این کشور تهدید کرده اند که اگر حکومت افغانستان به مسئله فساد اداری و اخاذی ها در مسیر شاهراه ها رسیده گی نکند، آنان از کار دست می کشند.

مسئولین در افغانستان شاکی اند که این تکنولوژی مدرن برای این کشور مفید نیست، مگر اینکه شرکائی تجاری آن نیز به این تکنولوژی مجهز باشند. در این میان، تنها ایران یک نوع قدیم تر و کهنه تر این تکنولوژی معلومات گمرکی یا اسیکودا را در اختیار دارد. کشورهای آسیای مرکزی به میزان افغانستان به کمک های جامعه بین المللی دسترسی نداشته، و تهیه این تکنولوژی پُر هزینه می باشد. اما مسئولین در این کشور عدم تمایل و پیشرفت در تهیه این تکنولوژی در کشورهای آسیای مرکزی را ربط میدهند به اینکه آن کشورها «نمی خواهند میزان تجارت شان با افغانستان افزایش یابد».<sup>۳۶</sup>

### ۵,۴ پالیسی و ظرفیت برای رشد:

بنابر دلایل مختلف از جمله زیرساختهای ضعیف، پُر هزینه بودن حمل و نقل از مسیر راه و نبود اعتماد برای همکاری های مشترک، جریان تجارت فرا منطقوی بین کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای جنوب آسیای بسیار پائین و در حد ۱۵ درصد (از مجموع میزان تجارت آنها) است. پویایی افغانستان برای افزایش میزان این تجارت بلند است. نه تنها این کشور جنوب آسیا را با آسیای مرکزی وصل می کند، بلکه میتواند به یک مرکز اساسی تبدیل شود که هند بتواند از طریق آن و کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای اروپا دسترسی پیدا کند. در عین حال، کشورهای آسیای مرکزی نیز میتوانند همکاران خوب تجاری برای افغانستان باشند، زیرا پاکستان که شریک عمده تجاری این کشور است در برابر توافقنامه تجارت و ترانزیت افغانستان-پاکستان (APTTA) متعهد نبوده و نیز از ناحیه شورشگری در داخل خاک خود با مشکل روبروست. متخصصین در این زمینه هشدار میدهند که هرگاه افغانستان بخصوص ابتکار راه ابریشم جدید<sup>۳۷</sup> در تجارت میان افغانستان و همسایه های آن خلاصه گردد، پویایی این کشور در تجارت محدود باقی خواهد ماند. در عوض آنان معتقد اند که افغانستان میتواند به دهلیزی برای رونق و بهبود تجارت در منطقه تبدیل شود.<sup>۳۸</sup>

در سطح پالیسی، کشورهای آسیای مرکزی از تعهد ایالات متحده امریکا در زمینه ابتکار راه ابریشم جدید و اینکه افغانستان را به یک محور ترانزیت در این منطقه تبدیل کند، اعتماد ندارند. بدون بودجه مشخص و تیم کاری که این پروژه را رهبری کند، این ابتکار و برنامه در حد «یک فکر و اندیشه» الی امروز باقی مانده و به یک استراتژی تبدیل نشده است. اینکه ایالات متحده امریکا در عین زمان به شرق آسیا نیز به عنوان چنین محوری فکر می کند، به بی باوری کشورهای آسیای مرکزی افزوده است.

ولی تطبیق تعدادی از پروژه های اساسی امیدوار بخش اند و ما را به تحقق هر چه بیشتر تجارت منطقوی نزدیکتر می سازد. از جمله تطبیق پروژه انتقال برق آسیای مرکزی به آسیای جنوبی یا کاسا یک-هزار (CASA-۱۰۰۰) از طریق افغانستان برق (آبی) مورد ضرورت پاکستان را در فصل تابستان از کشورهای تاجیکستان و قرقزستان تامین خواهد کرد. انتظار می رود که با تطبیق این پروژه، تجارت منطقوی در آسیای میانه نیز افزایش یابد. در این میان، افغانستان با ترانزیت ۱۰۰۰ میگاوات برق به پاکستان و با دریافت فیس ترانزیت و با حصول ۳۰۰ میگاوات برق برای مصارف داخلی خودش از این پروژه بهره خواهد کرد. قرار است تا کار عملی و تخنیکی این پروژه در سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز و الی سال ۲۰۱۷ میلادی، تکمیل شود.<sup>۳۹</sup>

۳۴ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت مالیه. کابل، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۳ میلادی.

۳۵ همان ماخذ.

۳۶ همان ماخذ.

۳۷ این ابتکار را وزیر خارجه قبلی ایالات متحده امریکا خانم هیلاری کلینتون در اکتوبر ۲۰۱۱ راه انداخت.

۳۸ «افغانستان، آسیای میانه و راه ابریشم جدید» ارایه شده توسط فریدریک استار در بنیاد جیمزتون، نوامبر ۲۰۱۱.

۳۹ بحث یکی از وزرای افغانستان در باره پروژه کاسا یک هزار. عزیز؛ دایلی تایمز؛ ۱۹ سپتمبر ۲۰۱۳/aziz-afghan-2013-Sep-19/http://archives.dailytimes.com.pk/business.2013-09-19/ (بازدید از سایت به تاریخ ۱۵ جنوری ۲۰۱۳)

۴۰ ارزش پولی ساخت ۱۲۲۲ کیلومتر کابل یا لین انتقال برق ۸۳۰ میلیون دلار امریکائی برآورد شده است. تمویل این پروژه مشخص نمی باشد. بانک توسعه آسیائی صرف نظر نموده و بانک جهانی هنوز تعهدی نکرده است. ایالات متحده امریکا در این اواخر متعهد شده تا ۱۵ میلیون دلار برای این پروژه بپردازد.

علاوه بر این، پروژه انتقال گاز طبیعی ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، و هند که به نام پروژه تاپی (TAPI) یاد می‌گردد به ارزش مجموعی ۷.۶ میلیارد دلار آمریکایی و به طول ۱،۷۳۵ کیلومتر، یکی دیگر از پروژه های بزرگ است که برای گسترش تجارت در منطقه فوق العاده کمک می‌کند. با اینکه پیشرفت در اجرای این پروژه بطی بوده، اما گام های در این اواخر برداشته شده که از عملی شدن این پروژه الی سال ۲۰۱۷ میلادی، نوید میدهد.<sup>۴۱</sup> انتظار بر آن است که این خط گاز روزانه به مقدار ۳.۲ میلیارد فوت مکعب گاز را از میدان های دولت آباد که ۲۰۰ کیلومتر در داخل خاک ترکمنستان قرار دارد به کشورهای افغانستان، پاکستان، و هند انتقال دهد. از مجموع این خط، ۷۳۵ کیلومتر آن از داخل خاک افغانستان (از مسیرهای هرات و قندهار) گذشته و ۸۰۰ کیلومتر آن از شهرهای کویت و ملتان پاکستان می‌گذرد.<sup>۴۲</sup> در این اواخر شرکت معتبر بین المللی را برای رهبری کنسرسیوم و تطبیق این پروژه استخدام کنند. بانک توسعه آسیائی مسئولیت ارایه مشوره های لازم را در این زمینه به عهده دارد.

## ۵،۵ چالش های تجارت و تشبثات کوچک و متوسط:

تاجران افغان مشکلات حمل و نقل، ترانزیت در مرزها و فساد اداری در گمرکات را از جمله مشکلات اساسی میدانند که فراراه رشد تجارت آنها قرار دارد. در گذشته بخاطر تظاهرات ضد حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در خاک پاکستان، مرز تورخم به تکرار مسدود شده است. در سمت شمال این کشور، ظرفیت حمل و نقل و جابجا کردن محموله های تجارتی ناکافی بوده که در یک هفته تنها چهار واگون محموله های تجارتی تخلیه شده میتواند.<sup>۴۳</sup> از این خط آهن تنها برای واردات کالا استفاده میشود، اما واگون های این خط آهن که برای افغانستان کالا وارد می کند خالی بر می‌گردد، چرا که ازبکستان به کالاهای افغانی اجازه میدهد تا تنها از طریق کشتی وارد آن کشور شود. این نوع پالیسی زمینه ساز فساد اداری می باشد. بر علاوه، بخاطر فساد اداری در مرزها، به کالاهای ترانزیت که از پاکستان وارد میشوند نسبت به کالاهای افغانستان، اولویت داده میشود.

مسئولین در افغانستان از وجود گروه مافیایی که در دستگاه حکومت نفوذ دارد، خبر میدهند. این گروه مافیایی صادرات این کشور را به پاکستان و خارج از آن تحت کنترل داشته و صادرات کالاها اکثرا بدور از کنترل کیفیت آن توسط ادارات ذیربط دولت، صورت می‌گیرد. به این اساس، میزان صادرات و عواید دولت کاهش میابد. در بعضی موارد، بطور مثال پیاز که توسط این گروه مافیایی صادر میشود، مجددا وارد افغانستان شده و قیمت آن سه یا چهار برابر از قیمت اصلی آن زیادتر می شود.<sup>۴۴</sup>

براساس گفته های مسئولین، این گروه مافیایی در واردات میوه خشک و بی کیفیت خارجی نیز دست دارد. مثلا بادام های ایرانی و برزیلی را وارد کرده و با بادام های با کیفیت داخلی پس از مخلوط شدن، مجددا صادر می کنند. اینکار غیرقانونی نیز به دور از کنترل ادارات ذیربط برای تفتیش کیفیت کالای صادراتی صورت می گیرد. این عمل از علاقه مصرف کنندگان خارجی تولیدات افغانستان کاسته و به اثر آن تقاضا به میوه جات خشک این کشور تقلیل میابد.

## ۵،۶ تشبثات کوچک و متوسط: مطالعات موضوعی

### ۵،۶،۱ شرکت پروسس کِشمش (تبسم) در کابل:

این شرکت پروسس کِشمش در ۲۰۰۷ میلادی در کابل تاسیس شد. قبل از تاسیس آن، مالک این شرکت تقریبا ۱۷ سال در زمینه صادرات کِشمش به کشورهای آسیای مرکزی تجربه کاری داشته است. این شرکت با داشتن ۱۱۰ کارمند سالانه ۳،۰۰۰ تا ۴،۰۰۰ تن کِشمش را پس از پروسس به کشورهای آسیای مرکزی و از آن طریق به کشورهای اروپائی و امریکای شمالی صادر می کند. تقریبا ۶۰ درصد از کارکنان این شرکت را مردان و متبایقی یعنی ۴۰ درصد را زنان تشکیل میدهند. این شرکت، کِشمش مورد ضرورت خود را از باغداران و شرکت های دیگر جمع آوری کرده و پس از پروسس و بسته بندی، صادر می کند.

سال قبل بیش از ۳،۰۰۰ تن میوه خشک که قسمت زیادتر آن کِشمش بود در مرز حیرتان برای مدت سه ماه منتظر بارگیری به مقصد ازبکستان بود. براساس گفته های مسئولین، برای انتقال نارنج و سمند که از پاکستان وارد آن کشور میشد، بر میوه های خشک افغانستان اولویت داده می شد. از این جمع، تقریبا ۱،۷۰۰ تن میوه خشک مربوط به شرکت تبسم بوده است. این واقعه سبب شد تا روابط این شرکت با مشتریان اش در کشورهای آسیای مرکزی و اروپا صدمه ببیند. از تاریخ انقضای آن، کِشمش ها که بعد از چندین ماه به مقصد رسید، کاسته شد.

براساس اظهارات مسئولین در این شرکت، طی دو سال اخیر صادرات آنها به مقدار ۳۰ درصد کاهش یافته است. این کاهش قسما بخاطر مشکلات مرزی و رقابت جدی از طرف ایران بوده است.<sup>۴۵</sup> با کاهش ارزش پول ایرانی طی سال های اخیر، قیمت کِشمش ایرانی به مقایسه کِشمش افغانستان ارزان تر بوده که بازاریابی و فروش کِشمش افغانستان را با مشکل مواجه کرده است. از آن زمان، شرکت «تبسم» مسیر تجارتی خود را تغییر داده و از مسیر پاکستان و مرز آقینه کِشمش خود را به کشورهای ترکمنستان، ایران و ترکیه صادر می کند.

۴۱ «اگر تلاش هند برای دستیابی به پروژه تاپی (TAPI)، روزنامه هندو The Hindu، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۳ میلادی.» <http://www.thehindu.com/business/Industry/india-ace-for-big-push-to-get-tapi-pipeline/article۵۲۸۳۴۵۵>

۴۲ «توافقنامه دیگر در مورد کیبل انتقال گاز- تاپی TAPI در عشق آباد به امضا رسید. روزنامه ترکمنستان.» <http://www.turkmenistan.ru/en/articles۱۷۴۹۰>

۴۳ حیرتان دروازه تجاری افغانستان به آسیای میانه. بی بی سی فارسی. [http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan\\_album\\_hairatan\\_port\\_۱۲۱۰۰۴۱۰/۲۰۱۲](http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan_album_hairatan_port_۱۲۱۰۰۴۱۰/۲۰۱۲) بازدید از سایت به تاریخ ۱ دسمبر ۲۰۱۳ میلادی.

۴۴ مصاحبه با یکی از مسئولین در وزارت تجارت و صنایع.

۴۵ مصاحبه با مالک کمپنی پروسس کِشمش تبسم، کابل، ۱ دسمبر ۲۰۱۳ میلادی.

ساخت این خط آهن (حیرتان - ازبکستان) سبب امیدواری تاجران افغان شد، ولی این خط آهن تنها برای واردات اجناس استفاده میشود. به جز از نفت و چوب، تقریباً تمام واردات از طریق این خط آهن صورت میگیرد، در حالیکه نفت و چوب از طریق کشتی و مرز ترمز به حیرتان وارد میشود. اینکار در سال ۲۰۱۱ میلادی صورت می گرفت، زمانیکه تقاضا برای واردات بلند بود و ظرفیت بارگیری در ترمینال این کشور کم بود. با اینکه این ظرفیت اکنون افزایش یافته است، با آن هم واردات نفت و چوب کماکان از طریق کشتی صورت می گیرد.

تاجران افغان مکرراً از خالی برگشتن این واگون های که به افغانستان کالا وارد می نمایند، شکایت کرده اند. ولی کشور ازبکستان از ناحیه امنیت واردات کالای افغانستان از طریق خط آهن تردید دارد. علاوه بر اینکه از خط آهن جدید بطور موثر استفاده صورت نمی گیرد، کشتی های که بین شهرک حیرتان و ترمز در حمل و نقل کالاها فعال اند، کشتی های کهنه و فرسوده می باشند. بعضاً کالاهای تجارتي در آب غرق شده اند.<sup>۴۶</sup> در ضمن، استفاده از کشتی برای حمل و نقل سبب شده تا بیش از حد معمول کالاهای تجارتي تخلیه و سپس بارگیری شوند. بطور مثال، کمپنی «تیسم» در ابتدا کارتن های کیشمش را از ذخیره های کابل بارگیری کرده و در مرز حیرتان تخلیه می کند. در آنجا به آن سوی دریا، در ترمز تخلیه میگردند، سپس توسط قطار و لاری ها به مقاصد اصلی منتقل می شوند. این کارتن ها تا زمان رسیدن به مقصد نهایی در وضعیت خوبی نمی باشند.

یکی دیگر از چالش های که سالانه این شرکت با آن روبروست، تصفیه حساب و بیلانس تجارتي اش با حکومت افغانستان است. برای اینکار این شرکت وادار میشود تا رشوه بپردازد. مجوز فعالیت های این شرکت مرتبط به چندین نهاد حکومتی است که در ختم هر سال باید دوبار برای تصفیه بیلانس به ادارت ذیربط حکومتی مراجعه کند.

## ۵,۶,۲ شرکت تجارتي آریانا - بلخ

شرکت تجارتي آریانا، کالاهای از قبیل آرد و روغن و دیگر موادی خوراکی را از کشورهای آسیای مرکزی وارد کرده و کیشمش و نباتات طبی را به آن کشورها و کشورهای اروپایی صادر می کند. این شرکت به تعداد ۲۶ نفر کارمند دارد. در نیمه اخیر سال ۲۰۱۳ میلادی، این شرکت ۵۰۰ تن کیشمش نیمه پروسس شده را از طریق بنادر حیرتان و آقینه صادر کرده است. فساد اداری مخصوصاً در مرزهای شرقی و جنوبی (مرز با پاکستان) عرصه رقابت اقتصادی و تجارتي را برای شرکت تجارتي آریانا محدود کرده است.

یکی از بررسی های اخیر که نظر تاجران افغان را جمع آوری کرده، نشان میدهد که به جز از کابل، فساد اداری در تمام نقاط گمرکی این کشور یکی از مشکلات عمده به حساب آمده است. بیشتر از ۷۵ درصد از پاسخ دهندگان<sup>۴۷</sup> اظهار داشته اند که در بنادر آقینه، اسپین بولدک، حیرتان، میران شاه، و تورغندی فساد اداری، اساسی ترین مشکل آنها است.<sup>۴۸</sup> این شرکت و چندین شرکت تجارتي دیگر در بلخ در گذشته روغن نباتی مالیزیائی را از طریق مرز حیرتان وارد کرده و به سرتاسر کشور به فروش می رسانیدند. روغن خوراکی کشور مالیزیا در افغانستان از نظر کیفیت از شهرت خوبی برخوردار است، ولی مردم همچنین تقاضا دارند قیمت ها پایین باشد.<sup>۴۹</sup> در دو سال گذشته، تاجران قندهاری همین روغن را از طریق پاکستان وارد می کنند. چون فساد اداری در مرزهای پاکستان زیاد است این تاجران مصارف گمرکی کمتری را در مرز اسپین بولدک برای وارد کردن این روغن می پردازند. از این رو تاجران قندهار همان روغن را با قیمت ارزتر نسبت به شرکت آریانا و دیگر شرکت های ولایت بلخ بفروش می رسانند. در نتیجه، تاجران ولایت بلخ بطور کلی واردات روغن مالیزیائی را متوقف کرده اند.

۴۶ مصاحبه با یکی از مسئولین در اتاق های تجارت و صنایع بلخ. مزار شریف، ۹ دسامبر ۲۰۱۳ میلادی.

۴۷ سعید پرتو، جوس وینترز، احسان سادات، محسن عصیان و انستیزیا حسینووا. «افغانستان و تجارت منطقوی: واردات از آسیای میانه، زیاد و یا کم؟ انستیتوت پالیسی و اداره عامه: از سلسله نشریات کاری شماره ۳؛ بشکیک، پوهنتون آسیای میانه، ۲۰۱۲.

۴۸ بر اساس اظهارات مالکین کمپنی آریانا، فساد اداری چندان مسئله مهمی در مرز های شمال کشور نمی باشد. این اظهارات متناقض با یافته های سروی می باشد. چون کمپنی آریانا برای طی مراحل کالای تجارتي خود در گمرکات از کمیشن کاران استفاده می کند، بنا از وجود فساد بطور مستقیم باخبر نمی باشند. کمیشن این افراد ۴۰ دالر امریکائی برای ۶۰ تن کالا می باشد.

۴۹ سعید پرتو، جوس وینترز، احسان سادات، محسن عصیان و انستیزیا حسینووا. «افغانستان و تجارت منطقوی».

## ۶. نتیجه گیری و سفارشها برای پالیسی:

با کاهش کمک های بین المللی و با خروج نیروهای نظامی از افغانستان، اکنون بیشتر از پیش روی نواقص و کمبود در ساختارهای اقتصادی این کشور توجه می شود. اتکای بیش از حد این کشور به کمک های بین المللی و مصارف نیروهای نظامی، سبب شده بخش خصوصی که باید در محراق رشد اقتصادی این کشور جای می داشت، در زمان مناسب مورد توجه لازم قرار نگیرد. طوریکه فضای نامعلوم سیاسی و اوضاع امنیتی اجازه نمی دهد تا سرمایه گذاری های بزرگ صورت گیرد، تشبثات کوچک و متوسط در محور بخش خصوصی افغانستان قرار خواهد داشت، ولی دولت این کشور استراتژی خاصی برای این تشبثات تا سال ۲۰۰۹ میلادی در دست کار نداشت و حتی تطبیق آن استراتژی تا سال ۲۰۱۱ میلادی آغاز نشد. اگر از همان اول بیشتر توجه میشد، قابلیت و توانمندی تشبثات کوچک و متوسط افزایش میافت و اکنون آنها از نظر کاری خودکفا میبودند. فساد اداری، چه واقعی و یا غیرواقعی و این ذهنیت که رسمی شدن تشبثات فایده ای ندارد، سبب شده تا این تشبثات بطور غیرقانونی و بدون اینکه در چوکات ادارات حکومتی ثبت باشند، فعالیت کنند. تاجران با فساد اداری مواجه اند.

در گذشته مکرراً گفته شده که تجارت و بازگشایی مسیر ترانزیت با کشورهای آسیای مرکزی، به نفع اقتصاد افغانستان است، ولی حجم این تجارت زیاد نیست و بنابر بعضی مشکلات، احتمالاً میزان تجارت در آینده نزدیک نیز بطور چشمگیری افزایش نخواهد یافت. آسیای مرکزی برای افزایش حجم تجارت خود با افغانستان، بنابر نامعلوم بودن اوضاع سیاسی و اقتصادی این کشور، شک و تردید دارد. این تردید آنها هم در قسمت بطنی بودن روند تغییر در پالیسی های اقتصادی آنان و نیز عدم سرمایه گذاری روی «پروژه های نرم تر» مثلاً نصب تکنولوژی مدرن و پیشرفته در گمرکات به وضاحت دیده میشود. از طرف دیگر، ایالات متحده آمریکا به نگرانی های مشروع این کشورها پاسخ نداده است. با وجود تبلیغات گسترده، ابتکار راه ابریشم جدید به یک استراتژی واقعی بدل نشد و توجه ایالات متحده آمریکا به شرق آسیا به عنوان محور تجارت منطقوی، متمرکز است.

به استثنای پروژه های واردات انرژی که توسط حکومت و یا شرکت های بزرگ مدیریت می شوند، بخش زیادی از تجارت در افغانستان را تشبثات کوچک و متوسط به عهده دارند. تشبثاتی که در بخش تجارت فعال اند با مشکلات متعددی مواجه بوده که مانع ترقی آنان میگردد. عمده ترین مشکلات، نامعلوم بودن اوضاع امنیتی و سیاسی کشور و نیز مشکلات ترانزیتی در مرزها است. از آنجاییکه کسر بیلانس تجارت این کشور چشمگیر است، این تشبثات مایل اند تا میزان تجارت شان مخصوصاً در بخش صادرات را افزایش دهند، اما مشکلات حمل و نقل و ظرفیت در گمرکات و مرزها، محدودیت های را در برابر این تلاش ها قرار داده است.

تکنولوژی مدرن که افغانستان در گمرکات اش مورد استفاده قرار میدهد تا حد اعظمی مورد استفاده قرار نگرفته است، چرا که کشورهای همسایه به عین تکنولوژی دسترسی ندارند. فساد اداری در مرزها سبب شده که کالاهای ترانزیتی پاکستان نسبت به کالاهای صادراتی افغانستان برای انتقال ترجیح داده شود. در مرز پاکستان نسبت به مرزهای شمال کشور، تاجران به قیمت پایین تر کالا وارد می کنند و در نتیجه، تاجران کالاهای خود را ارزاتر بفروش می رسانند. فساد اداری در مرزهای پاکستان باعث شده تا محصولات گمرکی کمتری از کالاهای واردات آن مسیر اخذ گردد.

## سفارشی ها:

- آگاهی در مورد نقش حکومت برای رشد و توسعه تشبثات افزایش یابد: با کاهش کمک های بین المللی و مصارف نیروهای نظامی خارجی، توجه تشبثات بیشتر به دریافت کمک بیشتر از حکومت افغانستان متمرکز خواهد بود. تعداد زیادی از تشبثین در مورد نقش حکومت برای تسهیل روند فعالیت های اقتصادی آنان در چوکات پالیسی جدید اقتصادی، آگاهی و معلومات ندارند. در این زمینه نیاز است تا کمپاین منظم و منسجمی راه اندازی شود تا از طریق آن برای مالکین تشبثات معلومات داده شود که در کدام موقع میتوانند از حکومت کمک بخواهند و در کدام حالات تقاضای شان برای کمک، خارج از حیطه و توانایی حکومت در چوکات نظام اقتصادی بازار است.
- مشارکت زنان افزایش یابد: حضور مدیران و تشبثین زن در سطح نهادهای پالیسی ساز مثلا اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان - آسیا و اتاق های تجارت و صنایع، زیاد محسوس نیست. تشبثاتی که مالکین آن زنان اند برای تداوم و بقای فعالیت های شان تلاش می کنند. از طرف دیگر، پذیرش اجتماعی از حضور زنان در کارهای بیرون از خانه، رو به کاهش است. سهم دادن زنان در نهادهای تصمیم گیرنده، میتواند منجر به طرح پالیسی هایی شود که محیط و فضای مناسب تری را برای تشبثات زنان مساعد سازد.
- تطبیق استراتیژی تشبثات هماهنگ شود: استراتیژی روشنی برای تشبثات کوچک و متوسط حالا وجود دارد. ولی ریاست تشبثات کوچک و متوسط در چوکات وزارت تجارت و صنایع که روند تطبیق این استراتیژی را هماهنگ میکند، به تعداد کافی نیروی کار ندارد. بنابر میزان تقاضا از این ریاست، لازم است تا حکومت به نیروی انسانی این ریاست توجه کند.
- ظرفیت تشبثات برای دست یافتن و کار در بازارهای جدید افزایش یابد: ظرفیت سازی باید طوری صورت گیرد که تشبثین بتوانند به بازارهای جدید دست یافته و بتوانند در آن فعالیت اقتصادی کنند. تاجران افغان برای دستیابی به بازارهای خارجی دچار مشکل اند. از این پس نمایشگاه های تجاری که طی دهه گذشته به حمایت سازمان های بین المللی دایر میشد، باید روی تامین ارتباط با تاجران خارجی متمرکز شود. لازم است تا حکومت افغانستان تشبثین را در بازیابی و ترتیب استراتیژی روابط دراز مدت با مشتریان یاری رساند، نه اینکه تشبثین فقط برای فروش کالاهای شان در نمایشگاه ها حضور داشته باشند.
- تقاضای تشبثات به نیروی کار با نظام آموزشی کشور هماهنگ شود: ریاست تشبثات کوچک و متوسط باید با سازمان های آموزشی دولتی و خصوصی برای تدوین یک نصاب آموزشی که جوابگوی نیازهای اقتصادی و تجاری باشد، همکاری کند.
- روند رسمی ساختن تشبثات تسهیل شود: بیروکراسی غیرموثر و فساد اداری همراه با نبود مشوق های لازم برای تشبثات کوچک و متوسط باعث می شود تا اکثریت این تشبثات در خارج از حیطه نفوذ حکومت و بطور غیرقانونی فعالیت کنند. با اینکه تسهیلاتی برای ثبت تشبثات به میان آمده است، اما روند اخذ مجوز برای آنها، همچنان پیچیده است. در صورتیکه حکومت افغانستان بخواهد این تشبثات را بطور رسمی تحت نظارت داشته باشد، لازم دیده میشود تا روند صدور مجوز برای آنها ساده شود.
- ارتباطات با کشورهای آسیای مرکزی بهبود یابد: افغانستان در این زمینه تلاش کرده تا روابط اش را با کشورهای آسیای مرکزی تامین کند. براساس اظهارات مسئولین روابط افغانستان با این کشورها به شکل دوامدار تامین نشده و حتی گاهی تنظیم این روابط دچار مشکل بوده است. نبود روابط منظم میان این کشورها باعث شده تا در امور گمرکی آنها نیز هماهنگی لازم وجود نداشته باشد. بهبود در تماس های طرفین میتواند به مسایل ترانزیتی از قبیل ازدیاد رفت و آمد و بهبود کشتی های باربری در مرز حیرتان کمک کند. اینکار نیز میتواند زمینه انتقال کالاهای صادراتی افغانستان را توسط خط آهن (که اکنون صورت نمی گیرد) مساعد سازد.
- وضعیت برنامه راه ابریشم جدید روشن شود: ایالات متحده امریکا چارچوب واقعی ابتکار راه ابریشم جدید را باید واضح سازد. اینکار کشورهای آسیای مرکزی را کمک خواهد کرد تا مفید بودن سرمایه گذاری در نصب تکنولوژی مدرن در گمرکات شان را در دست بررسی قرار دهند. چنین تصمیمی زمینه های بسط و گسترش روابط تجاری آسیای مرکزی با افغانستان را مساعد خواهد ساخت.

## ماخذ:

رومان ماجیلوسکی. «گرایش‌ها و الگوی‌ها در تجارت خارجی کشور های آسیای میانه.» انستیتوت پالیسی و اداره عامه؛ از سلسله نشریات کاری شماره ۱؛ بشکیک، پوهنتون آسیای میانه، ۲۰۱۲.

سعید پرتو، جوس ویتترز، احسان سادات، مُحسن عصیان و انستیزیا حسینووا. «افغانستان و تجارت منطقوی: واردات از آسیای میانه، زیاد و یا کم؟ انستیتوت پالیسی و اداره عامه؛ از سلسله نشریات کاری شماره ۳؛ بشکیک، پوهنتون آسیای میانه، ۲۰۱۲.

خواجه محمد عمروف «روابط تجارتي و اقتصادی بین جمهوری تاجیکستان و جمهوری اسلامی افغانستان.» انستیتوت پالیسی و اداره عامه؛ از سلسله نشریات کاری شماره ۱۳؛ بشکیک، پوهنتون آسیای میانه، ۲۰۱۳.



## پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می خواهد تا از پیشنهادات شما بعنوان استفاده کننده گان منابع تحقیقاتی این اداره مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما باشید، چه در یکی از سخنرانی‌ها و ورکشاپ‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و چه به تازگی با این سازمان آشنا شده باشید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما با ارزش است. نظر های شما به ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خواننده گان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارائه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. [areu@areu.org.af](mailto:areu@areu.org.af)

همچنان شما می توانید به این شماره تماس بگیرید ۸۴۵ ۸۰۶ ۹۹۷۰ (+۳۹) و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات، ...)?
- به چه منظور از پژوهش‌های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت می کنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده می کنید یا از مجلدات؟
- چگونه این انتشارات می توانند اطلاعات را به نحو بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما درباره روند پژوهشی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهایی را می توانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است

## نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

- حق آب و پروسه حل و فصل معضلات مربوط به آن در افغانستان: در حوزه فرعی سر پل، ونسنت توماس
  - توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: ۲۰۰۲-۲۰۱۲: جمع آوری معلومات و تحلیل وضعیت، لینا گنیش
  - توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: تحلیل وضعیت، لینا گنیش
  - توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: جمع آوری معلومات، لینا گنیش
  - توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: ایجاد فضا و مساعد ساختن محیط، لینا گنیش #
  - اقتصاد بلخ در دوره انتقال، پاول فیشستین #
  - اندکی عاری از کوکنارو اندکی امحای آن: زرع کوکنار در ولایات بلخ و بدخشان در سالهای ۲۰۱۱، پاول فیشستین
  - مدل مدیریت خوب آب در افغانستان: خلاها و فرصتها، توماس ونسنت
  - زمین، دولت و مردم در افغانستان: ۲۰۰۲-۲۰۱۲، لیز آلدن ویلی #
  - تمام شرط بندی ها منع اند! چشم اندازها در مورد تخلف از موافقتنامه هاو کنترل مواد مخدر در هلمند و ننگرهار در دوره انتقال، دیوید منسفیلد
  - از الف تا یا کتاب رهنما برای کمک به افغانستان ترجمه نسخه یازدهم، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان #
- # این علامت نشان دهنده آنست که ترجمه نشریه مذکوره به طور مکمل یا خلاصه به زبان دری قابل دریافت است.

**واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان**  
از چهار راهی حاجی یعقوب به سمت چهارراهی شهید  
خانه ۱۴۴ (سمت راست) سرک ۳ (سمت چپ)  
شهر نو، کابل، افغانستان  
شماره تماس: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۰۰۹۳  
ایمیل: [publications@areu.org.af](mailto:publications@areu.org.af)

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را میتوانید  
از صفحه انترنتی این اداره [www.areu.org.af](http://www.areu.org.af)  
دریافت نمایید.  
همچنان نسخه های چاپی بعضی از نشریات این اداره  
را میتوانید از دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به  
آدرس زیر بدست آورید.

